ویژهٔ تراجم، کتاب‌شناسی، نسخه‌پژوهی، نقد کتاب

کتاب شیعه

۷ ۸

ISSN 2228567 9

ویژه‌نامه اجازات

دوفصلنامهٔ تخصصی مؤسسهٔ کتاب‌شناسی شیعه

سال چهارم، شماره اول و دوم، بهار تا زمستان ۱۳۹۲

مقالات

- اجازهٔ الحدیث، حقیقتها و أثرها و طریقة إحیائها (المسیر و المصیر)
- در عمل: سفرهای بهاء الدین عاملی در قلمرو عثمانی
- نکاتی از اجازات بحار الأنوار
- نقیه نسو بسه خاستگاه واژهٔ Baccalaureate
- نگاهی کارکردهای اجازات حدیثی در سدهٔ دوازدهم در ایران
- مجمع تألیف الفت
- مستدرکی اجازات فهرستگان
- اجازه به مثابه گونه‌ای ادبی
- کتاب اجازات سید حسین کرکی
- گونه‌ها و اجازات اولین کتاب اجازات شیعه

کتاب پیوست

- بغية الوعاة في طبقات مشايخ الإجازات
- اجازة السماهيجي للشيخ ياسين البلادي

اجازات

اجازهٔ ابن خالویه نحوی به ابوالحسن سلامی. اجازه‌ای تازه‌یاب از ابن جمهور احسائی. سه اجازه دیگر از ابن ابی جمهور احسائی. اجازات الشیخ بهاء الدین العاملی. دو اجازه و یک انهاء از سید علی خان مدنی شیرازی. دو اجازه به محمد صالح بن محمد مومن استرآبادی. اجازات سید نثار حسین عظیم آبادی. اجازات شیخ نعمة غول. اجازات شیخ محمد مهدی شرف الدین شوشتری. اجازهٔ آیة الله سید محمود خوانساری به آیة الله سید هاشم موسوی خوانساری

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

اجازات

شیخ محمد مهدی شرف الدین شوشتری

سال چهارم شماره اول دوم
بهار تا زمستان ۱۳۹۲

عبدالحسین جواهرکلام

چکیده: شیخ محمد مهدی شرف الدین شوشتری از علمای بزرگ تاریخ معاصر خوزستان در سدهٔ چهاردهم بود. نویسنده در نوشتار حاضر، ابتدا شرح حال بسیار مختصر و آثار وی را بیان نموده است. در ادامه، نگاهی به اجازات شرف الدین داشته و اینگونه اظهار کرده که از ۲۸ اجازه‌ای که ایشان دریافت نموده‌اند، ۲۳ اجازه در دسترس است. نویسنده در این نوشتار پس از ذکر اسامی بزرگانی که به ایشان اجازه داده‌اند و نیز نام کسانی که اجازات ایشان در دسترس است و نیز اجازاتی که مفقود گردیده و در دسترس نیست، اجازات در دسترس را به ترتیب تاریخ وفات مجیزان ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: شرف الدین شوشتری، محمد مهدی - اجازات - اجازات روایی - سند - چهاردهم - شوشتر - دانشمندان شیعه - شرف الدین شوشتری، محمد مهدی - شرح حال.

مقدمه

شیخ محمد مهدی فرزند ثقة الاسلام شیخ محمد و نوهٔ عالم ربانی ملاجعفر فرزند ملا محمد باقر شرف الدین شوشتری، از علما و خطبای نامی، و از ناموران بزرگ تاریخ معاصر خوزستان بود[1].

او در شب شنبه ۱۶ ربیع الأول / ۱۳۱۸ ق برابر تیر ۱۲۸۰ ش در شوشتر دیده به جهان گشود.

پدرش شیخ محمد، از روحانیون شوشتر بود که در ۲۸ سالگی در همان‌جا مرحوم شد و در مقبرهٔ مسجد شرف الدین به خاك سپرده شد.

جدّش از علمای نامی و سخنوران توانای شوشتر بود. او در حدود ۱۲۵۰ ق، متولد شد و در ۹ صفر ۱۳۳۵ ق در شوشتر از دنیا رحلت نمود و در جوار مسجد شرف الدین به خاك سپرده شد[2].

شیخ محمد مهدی پس از رشد و نما، روی به تحصیل علوم دینی آورد، و مقدمات و سطوح را نزد علمای آن دیار چون حضرات آیات ذیل به پایان برد:

۱. سید محمد تقی شیخ الاسلام جزائری (۱۲۶۱ - ۱۳۴۲ ق)[3].

---

۱. در سفری به شوشتر در سال ۱۳۸۹ دیداری با حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محمد علی شوشتری داشتم و ایشان از سر لطف برخی اجازات و نامه‌های پدر ارجمندشان را سخاوتمندانه در اختیار بنده گذاشتند. شایان ذکر است که اجازات مذکور در این مقاله بازنگاری شده و نامه‌ها در مقاله دیگری در شماره‌های دیگر همین مجله منتشر می‌شود.

۲. برای تفصیل بیشتر به نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۸۰ رجوع شود.

۳. برای تفصیل بیشتر به شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان، ص ۶۶ رجوع شود.

www.noormags.ir

۲. سید علی اصغر حکیم جزائری (۱۲۶۵ - ۱۳۴۸ ق)[۴].
۳. سید بزرگ آل طیب جزائری[۵].
۴. سید حسین نوری - که بعدها ساکن مسجد سلیمان شد.

ایشان جهت ادامه تحصیلات عالی خود برای نخستین بار در سال ۱۳۴۴ ق ۱۳۰۴ ش به عتبات عالیات رفت و در نجف اشرف و کاظمین از محضر این آیات استفاده کرد:
۱. میرزا محمد حسین نائینی.
۲. شیخ ضیاء الدین عراقی.
۳. سید هبة الدین شهرستانی.

مخفی نماند که ایشان جمعاً ۱۳ سفر به عراق داشتند که در ضمن آن اسفار از محضر بزرگان استفاده‌های علمی می‌نموده‌اند.

شرف الدین پس از بازگشت، به اقامهٔ جماعت در مسجد جدّ خود و وعظ و ارشاد و پژوهش و تألیف پرداخت. از کارهای ماندگار او به تعمیر مجدد بقعهٔ صحابی جلیل براء بن مالك انصاری در همان شهر، می‌توان اشاره کرد.

آثار قلمی

مرحوم شرف الدین تألیفات متعددی دارد، ولی متأسفانه تاکنون به زیور طبع نرسیده و آنچه به چاپ رسیده است سه یا چهار عنوان است.

اما مهمترین عناوینی که از ایشان به یادگار مانده به شرح زیر است:
۱. عقاید اسلامیه، ترجمهٔ نکت الاعتقادیه (اثر شیخ مفید)، ۱۳۲۹ ش، تهران.
۲. رسالهٔ شرفیات (سؤالات و پاسخ آنها از محضر سید هبة الدین شهرستانی)، ۱۳۲۰ ش، اهواز.
۳. شرح حال علامهٔ ادیب فقید وفائی شوشتری (به انضمام دستورهای شرعیه در ختومات و ادعیه)، انتشارات کتابخانهٔ صدر تهران.
۴. تاریخ شوشتر، دو جلد. از مهمترین تألیفات ایشان به شمار می‌رود.
۵. دیار شهریاران (پژوهشی درباره شهرهای خوزستان).
۶. ترجمه کتاب فضائل (اثر ابن شاذان).
۷. کشکول (شامل حکایات و مطالب علمی و تاریخی).
۸. مطالعات و مشاهدات.
۹. گردآوری البدائع الجعفریة، مجموعهٔ اشعار جدّ خود ملا جعفر.
۱۰. تصحیح کتاب فردوس.
۱۱. ترجمهٔ دفع خوف الموت، تألیف ابن سینا.
۱۲. ترجمهٔ نزهة المجالس، تألیف عبدالرحمن صفوری، چاپ شده.

وفات

سرانجام در روز پنجشنبه ۱۵ شوال ۱۳۹۴ ق برابر با ۹ آبان ۱۳۵۳ ش در سن ۷۶ سالگی در زادگاهش شوشتر دیده از جهان فرو بست و در جوار مزار پدر و جدّ خود در مقبرهٔ مسجد خاندان شرف الدین به خاك سپرده شد.

نگاه اجمالی به اجازات

مرحوم شرف الدین جمعاً ۲۸ اجازه دریافت کرده‌اند که ما به ۲۳ فقره آن دست یافتیم که در این مقاله متن آنها به ترتیب تاریخ وفات مجیزین ارائه می‌شود. اجازات موجود به این شرح‌اند:

۱. شیخ محمد رضا معزّی دزفولی (۱۲۷۳ - ۱۳۵۲ ق)، نوع اجازه: امور حسبیه و روایی. این اجازه مشترك است بین شیخ اسدالله شرف الدین و فرزند برادرش شیخ محمد مهدی شرف الدین، و فاقد تاریخ صدور است. همچنین اجازه دیگری در امور حسبیه، به تاریخ ۱۸ صفر ۱۳۳۵ ق برای ایشان نوشته است.

---
۴. به منبع فوق ص ۲۶۹ و نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۵۴۷ رجوع شود.
۵. یادی از شوشتر، ص ۱۱۴.

www.noormags.ir

۲. میرزا محمدحسین نائینی (۱۲۷۶-۱۳۵۵ق)، نوع اجازه: روایی وامورحسبیه، مورّخ ۱۳۴۲ ق.

۳. حاج شیخ عباس قمی (۱۲۹۴-۱۳۵۹ ق)، اجازه روایی است که درپایان ثبت الاسناد شیخ آقا بزرگ تهرانی در دوخط نوشته، و درهمان سال وفات مرحوم محدث قمی صادرشده است.

۴. ضیاء الدین عراقی (۱۲۸۹-۱۳۶۱ ق)، نوع اجازه: امورحسبیه، که در ۱۳۴۲ ق صادرشده است.

۵. سید ابوالحسن موسوی اصفهانی (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ق) به ایشان دو اجازه داده است، یکی از آنها امور حسبیه که فاقد تاریخ است، ودیگری روایی است ومورّخ سال ۱۳۴۷ ق که اجازه اخیر به امضای میرزا محمد حسین نائینی نیزرسیده است.

۶. سید ابراهیم راوی رفاعی (۱۲۷۶ - ۱۳۶۵ ق). او از فضلای شافعی وبزرگان بغداد به شمار می‌رفت. نوع اجازه: روایی است که درسال ۱۳۵۸ ق کتابت شده است.

۷. سید محمد هادی خراسانی حائری (۱۲۹۷ - ۱۳۶۸ ق)، نوع اجازه: روایی است که در ۱۳۶۶ ق تحریر شده است.

۸. شیخ محمد سماوی (۱۲۹۲-۱۳۷۰ ق)، نوع اجازه: روایی ومورّخ ۱۳۶۹ ق است.

۹. شیخ جعفر نقدی (۱۳۰۳ - ۱۳۷۰ ق)، نوع اجازه: روایی است، که در ۱۳۶۹ ق صادرشده است.

۱۰. شیخ محمد علی نائینی کاظمی (سال وفاتش به دست نیامد، ولی ظاهراً درحدود سال‌های ۱۳۷۰ ق باشد). نوع اجازه: روایی است که در ۱۳۶۳ ق صادرشده است.

۱۱. سید جمال الدین موسوی گلپایگانی (۱۲۹۵ - ۱۳۷۷ ق)، نوع اجازه: امورحسبیه، مورّخ ۱۳۶۸ ق.

۱۲. سید ابراهیم حسینی اصطهباناتی معروف به «میرزا آقا» (۱۲۹۷ - ۱۳۷۸ ق). ازایشان دو اجازه دارند، یکی ازآنها در امور حسبیه به تاریخ ۱۳۶۸ ق، و دومی در روایت و تدریس فقه و اصول که در ۱۳۷۰ ق صادرشده است.

۱۳. میرزا محمود غروی شیرازی (۱۲۹۱ - ۱۳۷۸ ق) که ازعلمای بزرگ سامرا بود. نوع اجازه: اجتهاد و روایی است که در سال ۱۳۵۹ ق مرقوم شده است.

۱۴. شیخ محمد علی اردوبادی غروی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۰ ق). نوع اجازه: روایی است که آن را درپایان ثبت الاسناد شیخ آقا بزرگ تهرانی نوشته وفاقد تاریخ صدوراست. هرچندکه سال صدور اجازه را ۱۳۵۹ ق می‌دانیم.

۱۵. میرزا عبدالهادی حسینی شیرازی (۱۳۰۵ - ۱۳۸۲ ق)، نوع اجازه: امورحسبیه که در ۱۳۶۸ ق مرقوم شده است.

۱۶. سید احمد موسوی جزائری شوشتری معروف به «سید آقا» (۱۲۹۱ - ۱۳۸۴ ق). نوع اجازه: روایی است که آن را در ۱۳۵۷ ق نوشته است.

۱۷. سید هبة الدین حسینی شهرستانی (۱۳۰۱ - ۱۳۸۶ ق). نوع اجازه: روایی است که فاقد تاریخ صدوراست. مخفی نماندکه آغاز اجازه نیز مفقود شده است.

۱۸. شیخ آقا بزرگ تهرانی (۱۲۹۳ - ۱۳۸۹ ق) شرف الدین دو اجازه روایی ازایشان دریافت داشته، نخستین اجازه درسال ۱۳۵۶ ق صادرشده، و دومی را درپایان ثبت الاسناد خود در ۱۳۵۷ ق نوشته است.

۱۹. سید محسن طباطبائی حکیم (۱۳۰۶ - ۱۳۹۰ ق)، نوع اجازه: روایی وامورحسبیه، که در ۱۳۶۹ ق به رشته تحریردرآمده است.

۲۰. شیخ محمد صالح حائری مازندرانی «علامه» (۱۲۹۷ - ۱۳۹۱ ق) که ازعلمای بزرگ مقیم سمنان بود. نوع اجازه: روایی وامور حسبیه، که آن را در ۱۳۶۷ ق نوشته است.

۲۱. سید محمد مهدی موسوی اصفهانی کاظمی (۱۳۱۹ - ۱۳۹۱

www.noormags.ir

ق)، نوع اجازه: روایی است که در ۱۳۵۸ ق صادر شده.

۲۲. سید حسین حسینی همدانی (۱۲۹۶ - ۱۳۹۳ ق)، نوع اجازه: مداومت در ذکر «اللهمّ صلّ علی ولي أمرك...»، که در سال ۱۳۶۸ ق آن را نوشته است.

۲۳. سید محمد هادی حسینی میلانی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۵ ق)، نوع اجازه: روایی است که در ۱۳۶۹ ق قلمی گردیده است.

اجازات مفقود

اما نام مشایخی که به ایشان اجازه دادند و در منابع نامی از آنها به میان آمده، و ما تاکنون به آنها دست نیافته‌ایم به شرح زیر است:

۱. سید ابراهیم خراسانی (از علمای کاظمین).
۲. شیخ محمد طهرانی عسکری (از علمای سامرا).
۳. شیخ شعبان گیلانی (از علمای نجف اشرف).
۴. سید خلیل راوی (از فضلای بغداد - شافعی مذهب).
۵. سید محمد راوی (از فضلای بغداد - شافعی مذهب).

* * *

متن اجازات

(۱)

بسمه تعالی

بعد الحمد والصلاة، به عرض عامهٔ اخوان مؤمنین می‌رساند:

آنکه چون جناب مستطاب عمدة الفضلاء، نخبة العلماء، شرف الدین والدنیا شریعتمدار آقا شیخ محمد نجل المرحوم السعید العالم المقدس الأفخر الملا محمّد جعفر (طیّب الله ثراه وجعل أعلی الجنان مثواه) در مراتب علم وعمل ودیانت ووثاقت وارشاد انام وترویج شرایع اسلام بالغِ مقامی منیع ومرتبه سامیه است، لهذا این احقر اذن دادم اورا در جمیع امور راجعه به حکومت شرعیه قابلهٔ للاذن از تصدّی امور قاصرین و اخذ حقوق و صرف در مصارف معیّنه وغیرها مراعیاً للاحتیاط. پس بر عموم مؤمنین انقیاد واذعان لازم است.

تحریراً في ۱۸ صفر سنه ۱۳۳۵

الاحقر محمد رضا

[سجع مهر:] أُفوّض أمري الى الله عبده محمد رضا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله كما هو اهله والصلاة على خاتم الأنبياء محمّد وآله.

وبعد، أحقر أنام محمّدرضا الدزفولی معروض می‌دارد آنکه چون جناب عالم عامل، آقا شیخ اسدالله شرف الدین[۶] و جناب فاضل کامل شیخ محمد مهدی شرف الدین (زادهما الله شرفا) به حلیهٔ فضل وتقوی متجلّی ومرجع حوائج اهالی بودند تقرّباً إلی الله تعالی، تسهیلاً علی المسلمین اذن دادم به ایشان در تصدّی جمیع امور راجعهٔ به حکومت شرعیّه، اموری که اذن در آنها جاری می‌شود مانند: تولّی امور قاصرین بلا ولی و تجهیز اموات بلا ولی و قبض حقوق واجبه از زکوات وردّ مظالم وحقّ امام (علیه الصلاة والسلام) وغیر ذلك و صرف در مصارف شرعیّه.

وایضاً اجازت دادم در روایت اخبار ائمّه طاهرین - علیهم صلاة المصلّین - وتعلیم مسائل دینیّه واجراء عقد نکاح وصیغ سائر عقود وایقاعات، مشترطاً علیهما رعایة الاحتیاط علی وجه التقیید، آملاً منهما الدعاء، وسائلاً من الله تعالی لهما التوفیق والتأیید.

وقد وقع ذلك في[...۷].

[سجع مهر:] أُفوّض أمري الى الله

عبده محمّد رضا

---

۶. شیخ اسدالله فرزند ملا جعفر شرف الدین وعموی شیخ محمد مهدی شرف الدین است.
۷. اجازه فاقد تاریخ است.

www.noormags.ir

(٢)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله ربّ العالمين، وأفضل صلواته وتحياته على أشرف الأوّلين و الآخرين محمّد وآله الأئمّة الطيّبين الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين.

و بعد، نظر به شايستگى و لياقت جناب عالم فاضل زكى، آقا شيخ مهدى شرف الدين زاده (دام تأييده) جناب ايشان در تصدّى وظائف شرعيه متوقفه براذن فقيه عصرغيبت (على مغيبه وآبائه الطاهرين افضل الصلاة والسلام) ازقبيل تولّى امور قاصرين بلا ولى و تجهيز اموات بلا ولى از جانب احقر مأذونند تصدّى نمايند ودرقبض حقوق واجبه ازقبيل سهم مبارك امام (ارواحناله الفدا) وحق سادات وزكات ومظالم وغيرها مأذونند قبض نمايند زكات ومظالم وحق سادات را به مستحقّين آنها ايصال نمايند و سهم مبارك (ارواحنا لصاحبه الفدا) را براى صرف برحوزه علميه نجف اشرف كه اهم مصارف آن است به احقربرسانند ودراجراء عقد نكاح وساير عقود وايقاعات مطابق مندرجات رسالهٔ ذخيرة العباد مجاز و مأذونند. وهمچنين در تعليم مسائل واجبه مطابق رساله‌هاى عمليهٔ عربيه وفارسيه و نقل روايات مندرجه دركتب معتبرهٔ علماء اماميّه (قدس الله تعالى اسرارهم) مجاز و مأذونند، و أرجوه أن لاينساني من صالح دعائه إن شاء الله تعالى، والسلام عليه وعلى جميع إخواني المؤمنين ورحمة الله وبركاته.

حرّرفي شهررجب سنة ١٣٤٢

الاحقرمحمد حسين الغروي النائيني

[سجع مهر:] عبده محمد حسين

(٣)

بسم الله الرحمن الرحيم

وأجزت أنا له (دام علاه) أن يروي عنّي عن مؤلّف هذه المشيخة - دام ظلّه - بجميع أسانيده المودعة فيها، سالكاً سبيل الاحتياط، وأسأله أن لاينساني من دعاء الخير.

حرّره عباس القمي عفي عنه

في ربيع الثاني ١٣٥٩

(٤)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله كما هو أهله والصلاة على خاتم الأنبياء محمّد وآله.

وبعد، چون جناب عالم عامل و فاضل كامل آقا شيخ محمد مهدى شرف الدين (زاده الله شرفاً) داراى مقامات علميّه و به حليهٔ فضل وتقوى متحلّى ومرجع حوائج اهالى بودند تقرّباً إلى الله تعالى و تسهيلاً على المسلمين اذن دادم به ايشان در تصدى جميع اموررا جعه به حكومت شرعيّه، اموری كه اذن درآنها جارى مى‌شود مانند: تولّى امورقاصرين بلا ولى و تجهيز اموات بلا ولى وقبض حقوق واجبه اززكوات وردّ مظالم وحق امام (عليه الصلاة والسلام) وغير ذلك و صرف نمودن آنها در مصارف شرعيّه.

وايضاً اجازه دادم درروايت اخبار ائمّهٔ طاهرين - عليهم صلاة المصلّين - وتعليم مسائل دينيّه واجراء عقد نكاح وصيغ ساير عقود وايقاعات مشترطاً عليه رعاية الاحتياط على وجه التقييد، آملاً منه الدعاء وسائلاً من الله تعالى له التوفيق والتأييد.

من الأحقرضياء الدين العراقي ٢٠ رجب ١٣٤٢

[سجع مهر:] ضياء الدين العراقي

(٥)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله ربّ العالمين والصلاة والسلام على محمّد وآله الطيّبين الطاهرين، واللعنة الدائمة على أعدائهم إلى يوم الدّين.

امّا بعد، چون جناب مستطاب سليل العلماء العظام، ركن

www.noormags.ir

الاسلام و مروّج الأحكام شريعتمدار آقاى آقا شيخ محمد مهدى شرف الدين (دامت أيّام إفاضاته) سنين عديده متحمّل زحمات فوق العاده گشته و در تحصيل علوم ربّانى به مراتب عاليه رسيده و داراى جهات قدسيه و به ملكات حميده آراسته است، لذا از قبل اين جانب مجاز و مأذون است كه متصدّى بشوند به وظائف و امورى كه تصدّى آنها از وظائف حكّام شرع است و مأذون هستند در اخذ وجوهات و صرف در مصارف مقرّره و كذلك سهم امام عليه السلام قبض نموده به فقراء سادات و مشتغلين علوم دينيه يا مجتهد جامع الشرائط ايصال نمايند. و بر كافهٔ مؤمنين لازم است كه كوشش در مساعدت ايشان نمايند. و اوصيه بتقوى الله و رعاية الاحتياط في جميع اموره فإنّه سبيل النجاة.

الاحقر ابوالحسن الموسوي الاصفهاني

[سجع مهر:] ابوالحسن الموسوي

(٦)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله ربّ العالمين، والصلاة والسلام على محمّد وآله و صحبه والتابعين.

وبعد، فإنّ جناب العالم العلاّمة والفقيه الفهّامة، جامع المعقول والمنقول، حاوي الفروع والأُصول، الشيخ محمّد مهدي نجل العلاّمة الشيخ محمّد آل شرف الدين التستري قد استجاز منّا لحسن ظنّه بنا رواية الأخبار وصحاحنا المعتبرة، فأجزته (دام بقاه) أن يروي عنّي الأخبار المدوّنة في صحاحنا المعتبرة وماحوته مؤلّفاتي عن مشايخي (طاب ثراهم) وأوصيه أن يدعولي بصالح الدعوات في تمام الأوقات.

١ صفر سنة ١٣٥٨

الفقير السيّد إبراهيم الراوي الرفاعي عفي عنه.

(٧)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله والصلاة والسلام على محمّد وآله آل الله، ثمّ على رواة أحكام الله.

وبعد: فقد استجازنا جناب العالم الفاضل العلامة مروّج الأحكام، ثقة الإسلام، الشيخ محمّد مهدى آل العلامة شرف الدين (دامت بركاته) رواية الأخبار عن معادن العلم والآثار، فأجزته حيث وجدته أهلاً لذلك أن يروي عني الأخبار عن مشايخي الأعلام (طاب ثراهم).

وأوصيه بلزوم التقوى ومتابعة المشهور، فإنّه لاريب فيه ولاعثور. حرّره في كربلاء المشرّفة في ١٩ جمادى الثانية سنة ١٣٦٦ هجرية.

الأحقر الخراساني الحائري

[سجع مهر:] الراجي محمّد هادي الحسيني ١٣٤٨

را البته به هر وسيله است نزد حقير ارسال دارند.

الاحقر ابوالحسن الموسوي الاصفهاني

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب شريعت مآب، آقا شيخ مهدى شرف الدين (سلّمه الله تعالى) در شوشتر داراى محراب و منبر به وعظ مشغول و از قِبَل اين جانب مأذون و مجاز است در نقل از كتب معتبره اماميّه كه در موضوع مواعظ و مراثى و تواريخ تأليف فرموده‌اند، مثل: بحار الأنوار و جلاء العيون و ارشاد و ملهوف و امثال اينها ان شاء الله تعالى. في شهر شعبان المعظّم سنة ١٣٤٧

الأحقر أبوالحسن الموسوي الاصفهاني

[سجع مهر:] ابوالحسن الموسوي

الأحقر محمد حسين الغروي النائيني

[سجع مهر:] عبده محمد حسين

[حاشيه اجازه]

و سهم امام عليه السلام، آنچه فراهم شد و به دست آوردند، نصف آن را به فقراء سادات و مشتغلين علوم دينيه بدهند، و نصف

www.noormags.ir

(٨)

بسم الله الرحمن الرحيم

أحمد الله حمداً يبلّغني به رضاه، ويقضي لي بخير ما قضاه، وأُصلّي وأُسلّم على رسوله ومصطفاه، وعترته الطاهرين وصحابته والتابعين من أهل وفاه، ما نطق فم بحمده، والصلاة عليهم وفاه.

وبعد، فقد أمرني العالمُ الفاضل المتفنّن بالعلوم، جمال الدين، وعلم المهتدين، الشيخ محمّد المهدي ابن الشيخ محمّد آل شرف الدين التستري - كثّر الله في المسلمين مثله، وزاد فضله ونبله - أن أجيزه بطرقي في الحديث والكتب العلميّة من القديم والحديث، فقدّمت رجلاً، وأخّرت أُخرى، لأنّ التوقف في هذا الجواب أحرى، فإنّ الأمر بطرق الحديث أدرى، وإنّ طاعته وامتثال أمره واجب ومخالفة ذلك معصية كبرى. ثمّ رأيتُ الامتثال لأمره المطاعُ ولقضاء حقّه في زيارته مقدّسات البقاع، فأجزته أن يروي عنّي عن مشايخي، وأخصّ منهم: السيّد العلامة النبيل الجليل السيّد محمّد الهندي النجفي المتوفّى سنة ١٣٢٣ هجرية المدفون في دار جدّه السيّد أبي الحسن العاملي جدّه من أُمه في محلّة الحويش من النّجف، ابن السيّد هاشم ابن السيّد مير شجاعة علي الهندي الرضوي صاحب الكرامات، عن الشيخ الجليل صهره الشيخ محمّد حسن بن الشيخ باقر صاحب الجواهر، عن السيّد محمّد الجواد العاملي صاحب مفتاح الكرامة، عن السيّد محمّد مهدي الطباطبائي.

حيلولة: وعن السيّد محمّد مهدي القزويني ابن السيّد حسن عن عمّه السيّد محمّد باقر القزويني، عن خاله السيّد محمّد مهدي الطباطبائي، عن شيخه الآقا محمّد باقر البهبهاني، عن أبيه الآقا محمّد أكمل البهبهاني، عن خاله الشيخ العلاّمة الجليل الشيخ محمّد باقر المجلسي صاحب البحار، عن أبيه الشيخ محمّد تقي المجلسي الأوّل، عن الشيخ الجليل الشيخ محمّد بهاء الدين العاملي، بإجازاته وسنده إلى مشايخه بطرقه المعروفة عنهم - قدّس الله أرواحهم - والذين ذكرتهم مصنّفاتهم مشهورة، وكتبهم مذكورة.

فله أن يروي عنّي الحديث المتّصل بالمعصومين (صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين) فيقول حدثني وأنبأني وأجازني وكيف شاء عن المذكور مَن بذلك الإسناد في الحديث، وله أن يقول مثل ذلك في الكتب التي لهم والتي رووها عن مصنّفيها بطرقهم.

وأنّما خصّصته بذلك السند لأنّه مسلسل بالمحمّدين منه إلى بهاء الدّين، وللشيخ بهاء الدين مسند يذكره في كشكوله مسلسل بالمحمّدين الى أبي عبدالله محمّد البخاري صاحب الصحيح فإن شاء روى عنه منه إليه.

وكتب بخطّه ذوالمساوي الجاني محمّد ابن الشيخ طاهر السماوي (عفا الله عنه) في داره بالنجف في الثاني والعشرين من ربيع الثاني من سنة تسع وستين وثلثمائة بعد الألف من الهجرة مجيزاً حسب الأمر لذلك العلاّمة الجليل، وهو أجلّ من تذكر له الشروط المعروفة في الرواية، ولكنّه يرجى من فضيلته المستطابة، أن لاينساني من أدعيته المستجابة في مظانّ الإجابة، حفظ الله بحفظه التقى والفضل والعلم، ولا أسأل له زيادة في الورع، فقد تمّ...

وختم الاجازة الأقلّ ذوالمساوي
محمّد بن الشيخ طاهر السماوي
حامداً مصلّياً مسلّماً

(٩)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الكريم الوهّاب، والصلاة
والسلام على نبيّنا الهادي محمّد المصطفى وآله الأطياب.

امّا بعد، فلا يخفى على أحد من المسلمين الأخيار والمؤمنين الأبرار ما لعلم الحديث من الشرف وعلوّ المقام على سائر العلوم المتداولة بين الخاصّ والعام؛ لأنّه مأخوذ من الأئمّة

www.noormags.ir

المعصومين وعليه مدار أحكام الدّين المبين، ولهذا اعتنى به وبأسانيده العلماء من عصور الأئمة عليهم السلام إلى بقيّة الأعصار وحفظوا أُصوله وفروعه بالإجازة والاستجازة لئلا يلحقه غبار من الأغيار.

وإنّ شيخنا العالم الجليل والفاضل النّبيل، زبدة المتكلّمين الكرام وعمدة المحدّثين العظام، منار الهداية ومنبع الدراية ثقة الاسلام والمسلمين الشيخ محمّد مهدي شرف الدين (دامت فضائله وعمّت فواضله) ممّن لم يزل ولايزال غائصاً في بحار هذا العلم الشريف لاستخراج الجواهر والدرر مؤلّفاً ومصنّفاً، وقد استجازني - دامت بركاته - أن يروي عنّي ماتصحّ لي روايته.

فأجزته أن يروي عنّي جميع مؤلّفاتي ومصنّفاتي المطبوعة والمخطوطة وما أرويه عن مشايخي الذين قرأتُ عليهم وحضرت دروسهم وأجازوني في الرواية عنهم، فمنهم: آية الله الأكبر السيّد محمّد كاظم الطباطبائي، والحجّة العظمى شيخ مشايخ المتأخّرين في الإجازة السيّد حسن صدرالدّين، والعلاّمة الأوحد الشيخ أحمد آل كاشف الغطاء، وحجّة الإسلام العلاّمة الشيخ محمدرضا الدزفولي، والعالم الفاضل الأجل السيّد محمّدرضا الهندي، والسيّد السند المعتمد السيّد مهدي البحراني، وفخر أهل العلم والفضل حجّة الاسلام السيّد محمّد باقر البهبهاني، وشيخنا العالم الجليل الورع الزاهد الشيخ آغا بزرگ الطهراني، والعلاّمة الحجّة الميرزا محمّد الطهراني، وغيرهم ممّن يطول ذكرهم.

وقد ذكرت تفصيل اجازتهم في كتابي الروض النظير عن مشايخهم وأساتيدهم بأسانيدهم المتّصلة إلى أرباب العصمة - صلوات الله عليهم -، وأرجو من فضله أن لاينساني من الدعاء في مظانّ الإجابة كما أنّي لا أنساه إن شاء الله تعالى، وأن يأخذ في الرواية والنقل بالحائطة الدينيّة.

والصلاة والسلام على محمّدٍ وآله الطاهرين.

كتبه بيمناه الفانية العبد الأحقر ابن محمّد النقدي

محمد جعفر في ٧ ج ١ سنة ١٣٦٩

[سجع مهر] جعفر النقدي

(١٠)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذي رفع منازل العلماء حتّى جعلهم بمنزلة الأنبياء، وفضّل مدادهم على دماء الشهداء، وأفضل الصلاة والسلام على سيّد الرسل محمّد وآله الائمة الأُمناء.

و بعد، فقد أجزت حضرة العالم العامل والفقيه الكامل، حجة الاسلام والمسلمين ومولينا وشيخنا الشيخ محمّد مهدي شرف الدين الشوشتري - أدام الله تعالى بركات وجوده الشريف - أن يروي عنّي جميع مؤلّفاتي ومصنّفاتي التي منها كتاب فوز العلوم في الكتب والفنون وكتاب الوسيلة في طبقات الشيعة وعامّة الكتب والمؤلّفات والعلوم لجميع علماء الإسلام من كتب الخاصّة والعامّة عن مشايخي وأساتيدي و هم جمع كثير وجمّ غفير.

منهم: حجّة الإسلام والمسلمين الفقيه الأكبر سيّدنا السيّد محمّد كاظم الطباطبائي اليزدي صاحب العروة الوثقى المتوفّى بعد طلوع الفجر من اليوم التاسع والعشرين من شهر رجب سنة ١٣٣٧ ابن السيّد [عبدال]عظيم.

ومنهم: العلاّمة المحدّث والفقيه الخبير الحاج ميرزا فتح الله المعروف بشيخ الشريعة الإصفهاني الشيرازي النمازي النجفي المتوفّى ليلة الأحد ثامن شهر ربيع الثاني سنة ١٣٣٩ ابن الحاج الميرزا جواد الشيرازي النمازي.

ومنهم: العالم العامل والمتتبّع الخبير الكامل شيخنا ومولانا الشيخ علي بن الشيخ محمّد رضا بن الشيخ موسى بن الشيخ الأكبر الشيخ جعفر كاشف الغطاء المتوفّى غرّة محرّم الحرام

www.noormags.ir

سنة ١٣٥٠ صاحب كتاب الحصون المنيعة في طبقات الشيعة.

ومنهم: العالم العلاّمة حجّة الاسلام والمسلمين السيّد نجم الحسن من أكابر علماء الهند الساكن في بلدة لكهنو، صهر العلاّمة الاكبر المفتي محمّد عبّاس الهندي اللكهنوي.

ومنهم: العلاّمة الأكبر مرجع الفرقة الناجية حجّة الاسلام وآية الله في الأنام الحاج الشيخ عبدالكريم اليزدي القمي المتوفّى في قم (طاب ثراه).

ومنهم: عمدة العلماء العاملين وكهف الفقهاء الراشدين حجّة الاسلام والمسلمين الزاهد العابد الشيخ محمّد رضا النائيني المتوفّى في الليلة الثانية من شهر ذي القعدة سنة ١٣٦١ والمدفون في النجف في حجرة جدّنا العلاّمة آية الله العظمى الحاج ملاّ فتح علي السلطان آبادي المتوفّى سنة ١٣١٨.

ومنهم: العلاّمة الأكبر والأُستاد الأعظم جامع المعقول والمنقول حاوي الأُصول والفروع الحاج الشيخ محمّد حسين الإصفهاني - طاب ثراه - صاحب الحاشية على كفاية الأُصول.

ومنهم: الفقيه الكبير رئيس الطائفة ومرجع الإمامية الشيخ ميرزا محمّد تقي الشيرازي السامرّائي، المتوفّى في الحائر المقدّس ابن الحاج ميرزا محب علي الشيرازي.

ومنهم: العالم العامل والمحقّق الكامل السيّد أبوتراب الخونساري النجفي صاحب كتاب سبل الرشاد في شرح نجاة العباد المتوفّى سنة ١٣٤٦ ابن السيّد أبوالقاسم بن مهدي بن الحسن بن الحسين.

ومنهم: العالم الأُصولي المحقّق الشيخ آقا ضياء الدين العراقي صاحب المقالات في الاصول المطبوع منه الجزء الأوّل.

ومنهم: العلاّمة حجة الإسلام والمسلمين السيّد ميرزا علي آقا الشيرازي (طاب ثراه) ابن آية الله العظمى السيّد ميرزا محمّد حسن الشيرازي السامرّائي (قدّس سرّه تعالى).

ومنهم: أعلم علماء الشافعية في بغداد السيّد إبراهيم الراوي الشافعي الرفاعي البغدادي من المعاصرين و هو الآن من الأحياء إلى غير ذلك من المشايخ والأساتيد.

وقد ذكرناهم جميعاً مع طرقهم في كتابنا أجمل السمات في مشايخ الإجازات، فأجزته - دام تأييده العالي - بهذه الطرق الرواية والإجازة بالشرائط المعتبرة المعهودة، مع مراعاة كمال الاحتياط في جميع الجهات وأن يجيز من رآه أهلاً لذلك. وأن لاينساني من الدعوات الصالحات في مظانّ الاستجابات، والسلام عليه ورحمة الله وبركاته.

حرره أقل خدمة العلم والدّين محمّد علي النائيني الكاظمي (عفي عنه) في غرّة رجب الفرد سنة ١٣٦٣ هجرية.

(١١)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله كما هو أهله، والصلاة والسلام على محمّد وآله.

اما بعد: چون جناب مستطاب العامل الفاضل، ثقة الإسلام آقا شيخ محمّد مهدى شرف الدين به زيور علم وعمل آراسته و متّصف به كمالات نفسانيه بود، اجازه دادم به ايشان در تصدّى امور حسبيه راجعه به حكومت شرعيه از تولّى امور قاصرين و اذن در تجهيز اموات بلا ولى و غير اينها، و نيز اذن دادم در قبض حقوق شرعيهٔ ماليه از مظالم و مجهول المالك و سهم امام عليه السلام وصرف در امور معاش اقتصادى خود با كمال احتياط فإنه سبيل النجاة. والسلام عليه وعلى سائر الإخوان ورحمة الله وبركاته. به تاريخ ٢٩ ذى الحجه ١٣٦٨

الاحقر جمال الموسوي الگلپايگاني

[سجع مهر:] جمال الموسوي

(١٢)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله كما هو أهله والصلاة والسلام على محمّد وآله.

و بعد، چون جناب مستطاب العالم العامل الفاضل ثقة

www.noormags.ir

الاسلام آقا شيخ محمّد مهدى شرف الدين - دامت بركاته - از اجلهٔ ارباب علم و فضل و به ترويج دين مبين و ارشاد جاهلين - كه ازوظائف لازمهٔ اهل علم است - علاقه تامّه و مشغول هستند، اذن دادم به ايشان درتصدّى امورحسبيه كه وظيفهٔ مجتهد جامع الشرائط است ازتولّى امورقاصرين و اذن درتجهيزاموات بلا ولى وتصرّف دراوقافى كه فاقد متولى خاص باشند وقبض حقوق واجبهٔ ماليه ازمظالم وغيرها و هم چنين سهم امام عليه السلام وصرف درمعاش اقتصادى خود با كمال احتياط، فإنّه سبيل النجاة.

والسلام عليه وعلى سائر الإخوان ورحمة الله وبركاته.

١٢ ذي الحجة الحرام سنة ١٣٦٨

الأحقرابراهيم الحسيني الشيرازي

الاصطهباناتي الشهيربميرزا آقا

[سجع مهر:] ابراهيم الحسيني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الّذي جعل العلم نوراً تخرق به ظلم الغواية والصلاة على محمّد وعترته مصابيح الهداية.

وبعد، فممّن منحه الله تعالى لتحصيل العلوم الشرعيّة وتنقيح مبانيها النّظرية، الشيخ الجليل والحبر النبيل، نخبة العلماء العاملين ناشر أحكام سيّد المرسلين، الشيخ محمّد مهدي شرف الدّين التستري - دام تأييده - فإنّه صرف جملةً من عمره وبرهةً من دهره في تحصيل العلوم الشرعية وتنقيح المباني الفقهية، سالكا في طرق التدقيق والتحقيق، واستجاز منّي في الرواية فأجزته أن يروي عنّي كلّ ما صحّت لي روايته و تحقّقت لديّ درايته، عن مشايخي العظام حتّى يتّصل السند إلى أرباب الجوامع والأُصول.

وله أن ينشر جميع مايعتبر ممّا فيها من العلوم والحكم، لاسيما مايتعلّق بالفقه وأُصوله بالبحث والتّدريس والتعليم والإفاده لما استفاد منها وأضبط، مشترطا عليه في جميع ذلك مراقبة الاحتياط الذي فيه النجاة، وأن لاينساني من صالح الدعوات، والسلام عليه ورحمة الله وبركاته.

حرّرفي يوم السادس من شهر شعبان المعظّم سنة ١٣٧٠

الأحقرإبراهيم الحسيني الشيرازي

الإصطهباناتي الشهيربميرزا آقا

[سجع مهر:] إبراهيم الحسيني ١٣٥٧

(١٣)

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمدلله ربّ العالمين وأفضل صلواته على أشرف أنبيائه محمّد صلى الله عليه وآله وآله الكهف الحصين وغياث المضطرّ المستكين وعصمة المعتصمين، واللعنة الدّائمة على أعدائهم ومخالفيهم ومبغضيهم أبد الآبدين.

أمّا بعد،: فإنّ جناب العالم العامل الهمام والفاضل العلم العلاّم، صاحب الفكرة القويمة والسليقة المستقيمة، والنظر الثاقب والحدس الصائب، عماد العلماء الأتقياء وسناد الأفاضل الأزكياء، جناب الآغا الشيخ محمّد مهدي الشوشتري الملقّب بشرف الدّين (أدام الله تعالى إفضاله وكثّر في العلماء العالمين أمثاله) ممّن صرف في طلب العلم والعمل به معظم عمره واشتغل به شطراً من دهره، معتمداً على الله ربّ العالمين، ومستمدّاً من جهابذة الأساطين، حتّى حاز الدرجات العلى وفاز بالقدح المعلّى، وقد اجتباه الله بالقوّتين القدسيتين والملكتين المقدّستين، فلجنابه العمل بما يستنبطه من الأحكام على النهج المألوف بين الأعلام.

وأن يروي عنّي جميع ما صحّت له روايته من مصنّفات أصحابنا الإماميّة بأسرها وما رووه عن غيرنا بحقّ إجازتي عن الإمام الهمام

چهارم سال اول شماره دوم
بهار تا زمستان ۱۳۹۲

www.noormags.ir

والبحر القمقام، شيخ العلماء والمجتهدين، حجّة الاسلام والمسلمين، آية الله تعالى في الأرضين، حضرة المولى الميرزا محمّد حسين الغروي النائيني - قدس الله تعالى سره وطيّب رمسه - عن العالمين العلمين والأورعين الأطهرين والآيتين الأبهرين، فقيهي عصرهما ووحيدي دهرهما، حضرة الآغا الحاج ميرزا حسين الميرزا خليل الطهراني النجفي والشيخ محمّد طه نجف (قدّس سرّهما) بطرقهما الكثيرة المنتهية كلّها إلى آية الله العظمى أُستاد الكلّ عند الكلّ حضرة الآغا الوحيد البهبهاني - نوّر ضريحه - والمحدّث البحراني - قدّس سره - بأسانيدهما المفصّلة في فهارست الشيوخ وكتب المشيخه الفقهيّة كلّها إلى أرباب الجوامع العظام، ومنهم إلى مهبط الوحي ومعدن العصمة والنّبوّة - صلوات الله عليهم أجمعين.

وأرجوه أن لايدع جانب الاحتياط فإنّه وسيلة النّجاة، وأن لاينساني من صالح الدعاء كما لا أنساه إن شاء الله تعالى، والسّلام عليه ورحمة الله وبركاته.

كتبه بيمناه الداثرة

أحوج البرية وأفقرهم إلى رحمة ربّه الغني

٦ شهر صفر المظفّر سنة ١٣٥٩

محمود الغروي الشيرازي

[سجع مهر:] الراجي محمود الشريف

(١٤)

بسم الله الرحمن الرحيم

وله الحمد والمجد والكبرياء وصلّى الله على محمّد وآله.

فقد أجزتُ لشيخنا العالم البارع الأوحد والعلم المفرد والحبر النيقد والفاضل الأسعد الذي زان فضله الذّاتي والحسب بموروث المجد والمكتسب، الخطيب المدرّة والمصقّع المفوّه، الشيخ مهدي آل شرف الدين التستري (دام فضله) أن يروي عنّي عن مؤلّف هذه المشيخة العلاّمة بجميع أسانيده المودعة فيها وما أضفت إليها من بقيّة أسانيده وبقيّة طرقي مشايخه وبقيّة طرق المذكورة في الهوامش وعلى جهات الصحائف بالأسانيد المتسلسلة المتواصلة المذكورة في الكتب والإجازات إلى أئمّة الهدى عليهم السلام وإلى أرباب الكتب والأُصول من أصحابنا شيعة الحقّ وجبل الحقيقة مع التثبّت والتحرّي لضبط الأسانيد والمتون، وصيانتها عن تحريف الظالمين وانتحال المبطلين، والتجنّب عمّا جازف به الدجّالون وافتعله الدسّاسون وتبجّح به المتوسّعون من دون وقوف على الحقيقة، ممّا شوّهوا سمعة علم الحديث ويشين محياه الوضاءة.

ولنا رواية عن العلاّمة الشريف السيّد محسن ابن السيّد حسين ابن السيّد المهدي القزويني عن عمّه السيّد محمّد والمحقّق الخراساني، جميعاً عن جدّ المجاز له سيّدنا المهدي.

ولنا رواية عن العلاّمة الشّيخ حسن اللنكراني عن الحاج ميرزا حسين الخليلي والسيّد أبي تراب الخوانساري والسيّد حسن صدرالدين العاملي الكاظمي والسيّد محمّد علي الشاه عبدالعظيمي بأسانيدهم المتقدّمة.

والسلام عليه ورحمة الله وبركاته.

الأحقر محمّد علي الغروي الأُردوبادي عفي عنه

[سجع مهر:] محمد علي

ولنا رواية عن العلاّمة الحجة الحاج ميرزا فرج الله التبريزي، عن الحاج ميرزا حسين الخليلي بأسانيده وعن آية الله السيّد محمّد كاظم الطباطبائي اليزدي، عن الشيخ مهدي آل كاشف الغطاء بإسناده المتقدّم.

ولنا رواية عن العلاّمة الورع الحاج الشيخ علي أكبر النهاوندي نزيل خراسان المشرّفة عن العلاّمة النوري والمحقّق الرشتي و شيخ الشريعة الإصفهاني بأسانيدهم المتقدّمة، وعن العلاّمة السيّد أبي القاسم الإشكوري النجفي، عن آية الله

www.noormags.ir

الكوهكمري والمحقّق الرشتي بأسانيدهما السابقة.

(١٥)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الملك المحمود على فعاله، والصّلاة على نبيّه محمّدوآله.

و بعد، نظر به اينكه جناب مستطاب شريعتمدار، ثقة الاسلام نخبة الاعلام آقا شيخ محمّد مهدى شرف الدين - دامت بركاته - به زيورعلم وعمل آراسته ومتّصف به كمالات نفسانيّه بود، اجازه دادم به ايشان در تصدّى امور حسبيّه راجعه به حكومت شرعى از تولّى امورقاصرين واذن در تجهيز اموات بلاولى وتصرّف دراوقافى كه فاقد متولّى خاص باشند وقبض حقوق واجبه ماليه ازمظالم وغيرها وهمچنين سهم امام عليه السلام وصرف در امور معاش اقتصادى خود با كمال احتياط.

والسلام عليه وعلى سائر الاخوان ورحمة الله وبركاته.

غرّه ذي حجة الحرام سنة ١٣٦٨

الأقلّ عبدالهادي الحسيني الشيرازي

[سجع مهر:] عبدالهادي الحسيني

(١٦)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله ربّ العالمين والصلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

أمّا بعد، فيقول العبد القاصر العاثر الخاسر أحمد بن الحسين بن محمّد بن الحسين بن عبدالكريم بن محمّد جواد بن عبدالله بن نورالدّين بن نعمة الله الموسوي الجزائري الشوشتري النجفي المعروف بالسيّد آقا ابن السيّد بزرگ ابن إمام الجمعة (حشرهم الله مع أجدادهم الطاهرين المعصومين عليهم أفضل صلوات المصلّين) أنّه قد استجازني رواية ماصحّ لي روايته عن مشايخي الكرام، سلالة الفضلاء العظام الواعظين العاملين الفخام، الشّيخ محمّد مهدي الملقّب بشرف الدّين الشوشتري (دام تأييده) ابن الشيخ محمّد بن الآخوند المولى محمّد جعفر ابن المولى محمّد باقر بن حسنعلي بن عبدالله بن محمّدرضا بن شرف الدّين أسكنهم الله في أعلى علّيين.

وطرقي متعدّدة متفرّقة في إجازاتي لبعض أهل العلم التي هذه ثامنة لها، وأقتصر هنا بذكر طريقين:

الأوّل: روايتي عن سيّدنا ومولانا السيّد حسن بن السّيد هادي العاملي الكاظميني المعروف بالصدر، عن الفاضل الزاهد الآخوند المولى حسين قلي الهمداني الدرجزيني، عن سيّد المحقّقين وزين الناسكين فخر عمومتنا الحاج السيّد علي الشوشتري النجفي ابن السيّد محمّد بن الطيّب بن محمّد بن نورالدّين بن نعمة الله الموسوي الجزائري (عطّر الله مراقدهم) عن سيّد العلماء العاملين وشمس الزاهدين ومصباح المتهجّدين جدّي السيّد حسين، عن أبيه السيّد عبدالكريم، عن جدّه السيّد عبدالله، عن أبيه السيّد نورالدّين، عن أبيه جدّنا الأعلى الفاضل المتبحّر السيّد نعمة الله الجزائري وأسانيده مذكورة في أوائل شرحه لكتاب عوالي اللآلي لابن أبي جمهور الأحسائي بالعين المهملة كما في ذلك الشرح وإن اشتهر بالمعجمة.

والثاني: روايتي عن الفاضل الجليل السيّد كمال الدّين المعروف بالميرزا آقا ابن الحاج المير محمّد علي الرضوي الخونساري الدولت آبادي الملايري النجفي وعن الحبر النحرير الحاج السيّد عبدالصمد بن الحاج السيّد أحمد بن محمّد بن الطيّب المسطور، وعن الشيّخ أسدالله بن علي أكبر بيك بن رستم خان الزنجاني الديزجي والسيّد حسن الصّدر المذكور جميعا عن الحاج المولى علي بن الحاج الميرزا خليل الطهراني النجفي عن الشيخ عبدالعلي الرشتي، عن بحر العلوم السيّد محمّد مهدي

www.noormags.ir

الطباطبائي عن الآقا محمّد باقر بن المولى أكمل البهبهاني، عن أبيه، عن المجلسي. وأسانيده مذكورة في المجلّد الأخير من كتابه بحار الانوار، فأجزته - دامت بركاته - جميع طرقي وأسانيدي في نقل العلوم العقليّة والنقليّة ومقدّماتها ومتعلّقاتها وما برز من قلمي من المؤلّفات ككتاب الفوائد المختلفة والخرائد المتشّتتة وكتاب تعويد اللسان بتجويد القرآن، وتقويم المعرفة في معرفة التقويم، وصيغ النكاح، والتعليقات على هوامش الروضة البهيّة في شرح اللمعة الدمشقيّة وغيرها من الفوائد بالشرائط المعتبرة المعروفة مع ملازمة التّقوى والاحتياط في النقل زماناً ومكاناً وحالاً وكمّاً وكيفاً ومثلها وغيرها، فإن كلام المعصومين - صلوات الله عليهم أجمعين - والعلماء النقّاد الكمّلين كالدرّ العال والجوهر الغال لايعلّق على أعناق مالا يعلّق عليه، وأن لاينساني من الدعوات الصالحات في مظانّ الاستجابات في حياتي والممات، كما أنّي لا أنساه كذلك إن شاء الله تعالى.

حررّه أقلّ السادات المشتغلين أحمد بن الحسين بن محمّد بن الحسين بن عبدالكريم بن محمّد جواد بن عبدالله بن نورالدّين بن نعمة الله الموسوي الجزائري الشوشتري النجفي المعروف بالسيّد آقا ابن السيّد بزرگ بن إمام الجمعة، أصيل يوم الجمعة التاسع عشر من الربيع المولود من السنة السابعة والخمسين بعد الثلثمائة والألف في النجف الأشرف زاده الله شرفا، والحمدلله ربّ العالمين.

[سجع مهر:] أحمد الموسوي

(۱۷)

...[۸] متواتر الحمد لربّنا على آحاد آلائه، و مسلسل الشكر على المستفيض من نعمائه، وصلاة مرفوعة غير مقطوعة على المرسل رحمةً للعالمين، والمجمع على فضل كتابه وفصل خطابه بالقياس إلى سائر أنبيائه، محمّد المصلح طرق السعادة في النشأتين، وعلى الأئمة الهداة والعلماء.

اما بعد، فقد كتبنا وكتب الأصحاب حول استفاداتهم من أمر الإجازة في الرواية عن أئمّتنا الأطياب بما لا مزيد عليه، فاستناداً على ذلك وإجابةً لالتماس عزيزي القمين والمحدّث الأمين، ناشر لواء آثار العترة الميامين، العالم الفاضل والبحاثة المهذّب الكامل، حضرة الشيخ مهدي بن محمد بن جعفر من آل شرف الدين التستري - أحسن الله حاله ومثاله وكثّر في أهل الحق أمثاله - إذ استجازني رواية ما أنا راويه من مقروّ ومسموع وما صنّفته في فنون الأُصول والفروع والتصدّي للوعظ والهداية و ماكان عليه السلف من أهل الرواية والدراية.

فاستخرت الله سبحانه وأجزته أن يروي ذلك عنّي عن أشياخي المحدّثين وأسلافي المحقّقين، بطرقهم المشتهرة إلى كتبنا المعتبرة الجامعة لأخبار العترة الطاهرة - سلام الله عليهم أجمعين - كما حرّرته في جداول الرواية وإجازاتي من علماء الدراية، والله ولي التوفيق والهداية، وهو حسبي وحسبه ونعم الوكيل.

هبة الدين الحسيني الشهير بالشهرستاني

[سجع مهر:] هبة الدين بن محمّد الحسيني

(۱۸)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذي وفّقنا لأخذ معالم ديننا عن العترة الطاهرة بصحاح معنعنة وأسانيد مسلسلة، والصلاة والسلام على سيّدنا ونبيّنا محمّد المصطفى وآله المعصومين أئمّة الهدى (صلّى الله عليهم أجمعين) وعلى من شايعهم واقتدى بهداهم من الآن إلى يوم الدّين.

وبعد، فلمّا كان من أهمّ المهام التقرّب إلى الله الملك العلاّم وإلى أوليائه وأُمنائه في أرضه وخلفائه على خلقه، ولايحصل

۸. آغازو دیباچه اجازه. مفقود است.

www.noormags.ir

القرب بمجرّد لقلقة اللسان أو دنوّ المكان، فالصحبة والاتّصال الصوري لايسمن ولايغني.

اتّصال او ترا نَدْهَد ثمر
همچو احمد با ابي حرث و دگر

بل القرب منوط بالقلب و مربوط بعقيدة فرض الطاعة و الأعمال مظاهر العقائد، ازكوزه برون تراود آبي كه دراوست.

فالقرب إليهم لايكون إلّا متابعتهم حذوالنعل بالنعل، والعمل بقولهم المأخوذ عنهم وطريق الأخذ عنهم مع ما نحن عليه من بُعدِ العصر منحصر في الأخذ عنهم بالواسطة المعتمدة. فلذا جرت السيرة على أخذ الروايات من الأخلاف عن الأسلاف، و ممّن استسعد لهذا التوفيق الأخ الشفيق، الفاضل الكامل العالم العامل، فخر الأفاضل، الزّكي الرضي، الصفي الوفي، مولانا الحاج الشيخ محمّد مهدي بن المولى الأمجد الشيخ محمّد بن العالم الجليل المولى محمّد جعفر شرف الدّين الواعظ التستري (أعلى الله قدره العلي بالنبي والوصي).

فلمّا استتبع سيرة السلف نظرإلى الجاني بحسن ظنّه و أنا و إن لمأحسبه مصيباً في ظنّه لكن رأيت له أهلية الإطاعة، فبادرت إلى ما أرادَ إنشاءً بالقول إملاءً بالقلم، وأجزته أن يروي عنّي جميع ما صحّت لي روايته وصلحت منّي إجازته من روايات الأصحاب في جميع الأبواب. وأن يروي عنّي جميع تصانيف الخاصّة و العامّة و كتبهم و رسائلهم المسطورة أسامي جلّ منها في ضمن مجلدات كتابي الموسوم بالذريعة إلى تصانيف الشيعة و في كتاب كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون بما وصلت إلينا أخبارها أوحصلت بأيدينا أعيانها، وذلك بحقّ إجازاتي عن مشايخي العظام أركان الهداية وحجج الاسلام و هم جَمَّ غَفير و جمعٌ كَثير مِن نقباءِ البَشَر في القَرنِ الأخير الرّابع عشر.

أوّلهم: وهوأوّل من استجزته وأجازني اجازةً عامّة بعدّة أشهر قبل وفاته هو شيخنا العلّامة الإمام ثقة الإسلام وشيخ الطائفه تالي الطبرسيين وثالث المجلسيين مولانا الحاج ميرزا حسين ابن العلّامة ميرزا محمّد تقي النّوري الطبرسي (قدّس سرهما) المتوفّى بالنجف في ليلة الأربعاء لثلاث بقين من جمادى الآخرة سنة ١٣٢٠ بطرقه الخمسة المسطورة مفصّلةً في خاتمة المستدرك.

وثانيهم: سيّد مشايخنا العلّامة جمال السّالكين وزين المجتهدين، العالم العامل الزاهد المجاهد، السيّد الشريف المرتضى بن السيّد مهدي بن السيّد محمّد بن السيّد كرم الله الطّوسي القمي الكشميري النجفي المدفون بالحائر الشريف سنة ١٣٢٣، أملى عليَّ نسبه وحسبه كذلك وكتبت عن إملائه مشايخهُ وكثير منهم من تلاميذ العلّامة صاحب الجواهر وهم مشايخ أخر أيضا وهم:

(١) الشيخ نوح بن قاسم الجعفري النجفي المتوفّى سنة ١٣٠٠ و(٢) العلامة السيّد حسين بن السيّد رضا ابن آية الله بحرالعلوم المتوفّى سنة ١٣٠٦ و (٣) العلّامة الشيخ محمّد حسين بن هاشم الكاظمي المتوفّى ١٣٠٨ و (٤) العلّامة الشيخ محمّد حسن آل يس الكاظمي المتوفّى سنة ١٣٠٨.

قال سيّدنا الكشميري ﵀ إنّ هؤلاء الأربعة يروون عن صاحب الجواهر الشيخ محمّد حسن بن الشيخ باقر النجفي المتوفّى سنة ١٢٦٦. قال: وإجازة الأخير يعني الشيخ محمّد حسن آل يس لي كانت عند رأس الجواد ﵇ و هي محتمله يعني روايته عن صاحب الجواهر بإجازة محتملة.

ومن مشايخ سيّدنا الكشميري العلّامة السيّد مهدي القزويني والعلامة الحاج ميرزا محمّد هاشم الچهارسوقي وهما من مشايخ شيخنا العلّامة النوري وطرقهما مسطورة في خاتمة المستدرك.

ومن مشايخ سيّدنا الكشميري العلّامة الحاج الشيخ زين

www.noormags.ir

العابدين ابن مسلم البارفروشي الحائري المتوفّى في سنة ١٣٠٩، وهو يروي عن صاحب الضوابط السيّد إبراهيم ابن محمّد باقر الموسوي القزويني الحائري المتوفّى سنة ١٢٦٢ والمولى محمّد سعيد الملقّب بسعيد العلماء المازندراني والعلاّمة الأنصاري وكلّهم من تلاميذ شريف العلماء المتوفّى سنة ١٢٤٥، ومشايخه مسطورة في الروضة البهية في الاجازة الشفيعية.

ومن مشايخ سيّدنا الكشميري السيّد محمّد بن إسماعيل الساروي الموسوي المتوفّى سنة ١٣١٠ بالمشهد الرضوي، وهو يروي عن الحاج سيّد أسدالله بن حجّة الاسلام الإصفهاني المتوفّى سنة ١٢٩٠ تلميذ صاحب الجواهر وعن السيّد حسين بحرالعلوم والحاج شيخ زين العابدين بطرقهما المشار إليها.

وثالثهم: شيخنا العلاّمة الفقيه الورع التّقي الشيخ محمّد طه نجف بن الشيخ مهدي آل نجف التبريزي النجفي المتوفّى سنة ١٣٢٣، عن شيخه العلاّمة الحاج مولى علي الخليلي المتوفّى سنة ١٢٩٦ بطرقه المسطورة في الخاتمة.

ورابعهم: شيخنا العلاّمة المنتهى إليه الرئاسة العآمة الحاج ميرزا حسين بن الحاج ميرزا خليل الطهراني النجفي المتوفّى سنة ١٣٢٦، عن أخيه الحاج مولى علي وعن الحاج سيد أسدالله الإصفهاني وعن العلاّمة الأجل آخوند المولى زين العابدين الگلپايگاني المولود سنة ١٢١٨ والمتوفّى سنه ١٢٨٩ وهو يروي عن الشيخ محمّد تقى ابن عبدالرحيم الطهراني الإصفهاني صاحب الحاشية على المعالم المتوفّى سنة ١٢٤٨ وأخيه الشيخ محمّد حسين صاحب الفصول المتوفّى سنة ١٢٥٥ والعلاّمة صاحب الجواهر.

وخامسهم: شيخنا العلاّمة المؤسّس صاحب تشريح الأُصول الآخوند المولى علي بن فتح‌الله النهاوندي النجفي المتوفّى سنة ١٣٢٣ وهو يروي خصوص الكتب الأربعة المعوّل إليها بالإجازة عن العلاّمة المعاصر له الشيخ محمّد حسين بن هاشم الكاظمي عن مشايخه الأعلام وهم صاحب الجواهر كما مرّ والشيخ حسن بن الشيخ الأكبر و[هو] صاحب أنوار الفقاهة المتوفّى سنة ١٢٦٨[٩] والشيخ محمّد جواد بن الشيخ تقى ملاّ كتاب النجفي والشيخ محسن الخنفر المتوفّى سنة ١٢٧٠ والعلاّمة الأنصاري.

وسادسهم: شيخنا الأُستاد آية الله آخوند المولى محمّد كاظم الخراساني النجفي المتوفّى سنة ١٣٢٩ عن السيّد معزّ الدّين محمّد مهدي ابن الحسن القزويني الحلّي النجفي المتوفّى سنه ١٣٠٠ بطرقه المسطورة في خاتمة المستدرك.

وسابعهم: شيخنا و أستادنا العلاّمة الجامع للفنون الإسلامية الحاج ميرزا فتح الله بن ميرزا محمّد جواد الشيرازي النمازي الإصفهاني المدعوّ بشيخ الشريعة المتوفّى سنة ١٣٣٩ وهو كما في إجازته التي كتبها لي في سنة ١٣٢٠ يروي عن السيّد مهدي القزويني والحاج ميرزا محمّد هاشم الچهار سوقي بسندهما المسطورة في الخاتمة وعن العلاّمة الشيخ محمّد حسين الكاظمي بسنده المذكور آنفا وعن العلاّمة ميرزا محمّد باقر بن زين العابدين الموسوي الخوانساري الإصفهاني صاحب الروضات وأخي ميرزا محمّد هاشم المذكور والمتوفّى سنة ١٣١٣. رأيت بخطه إجازته لشيخ الشريعة كتبها له في سنة ١٢٩٥ يروي فيها عن السيّد حجة الإسلام الحاج سيّد محمّد باقر ابن محمّد تقي الشفتي الإصفهانى المتوفّى سنة ١٢٦٠ وعن السيّد إبراهيم صاحب الضوابط وعن الشيخ محمّد بن الشيخ علي بن الشيخ الأكبر المتوفّى سنة ١٢٦٨ وعن والده الحاج ميرزا زين العابدين بن أبي القاسم جعفر بن الحسيني الخوانساري المتوفّى ١٢٧٦ وعن الشيخ محمّد قاسم بن محمّد النجفي المتوفّى سنة ١٢٩٠.

ثامنهم: شيخنا الفقيه الورع التقي الشيخ علي بن الحسين الخيقاني النجفي المتوفّى سنة ١٣٣٤، عن العلاّمة جمال السالكين الحاج مولى علي الخليلي بسنده المذكورة في الخاتمة.

٩. كذا ما جاء في الأصل، والصحيح ١٢٦٢ هـ.

www.noormags.ir

وتاسعهم: شيخنا المدرّس المحقّق ميرزا محمّد علي بن المولى نصير الرشتي الچهاردهي النجفي المتوفّى سنة ١٣٣٣[١٠] عن الحاج مولى علي الخليلي المذكور.

وعاشرهم: سيّدنا الفقيه المحدّث الحاج السيّد محمّد علي بن الحاج ميرزا محمّد الشاه عبد العظيمي النجفي المتوفّى سنة ١٣٣٤، عن العلاّمة الفقيه الشيخ محمّد حسين الكاظمي المذكور.

والحادي عشر: السيّد العلامة الفقيه الرجالي السيّد أبوتراب بن السيّد أبي القاسم بن السيّد مهدي صاحب رسالة أبي بصير الموسوي الخوانساري النجفي المتوفّى سنة ١٣٤٦، عن الشيخ محمّد حسين الكاظمي، وعن أُستاده آخوند المولى لطف الله الأسكي اللاريجاني المتوفّى سنة ١٣١١، عن شيخه العلاّمة الأنصاري.

والثاني عشر: شيخنا العلاّمة المتبحّر الشيخ علي بن الشيخ محمّد رضا آل كاشف الغطاء المتوفّى أوّل سنة ١٣٥٠، عن الشيخ مهدي بن الشيخ علي كاشف الغطاء المتوفّى سنة ١٢٨٨ وعن الشيخ راضي بن الشيخ محمّد آل خضر المتوفّى سنة ١٢٩٠ وعن العلاّمة الحاج الشيخ جعفر التستري المتوفّى سنة ١٣٠٣ وعن العلاّمة الشيخ محمّد حسن المامقاني المتوفّى سنة ١٣٢٢.

الثالث عشر: الشيخ المحدّث الجليل الشيخ صالح بن العلاّمة الشيخ أحمد بن الشيخ صالح آل طعان البحراني المتوفّى بالحائر الشريف سنة ١٣٣٣، عن خاله العلاّمة الشيخ علي البحراني صاحب أنوار البدرين في علماء الاحساء والقطيف والبحرين.

الرابع عشر: الشيخ الفقيه الشيخ موسى بن جعفر الكرمانشاهي الحائري المدفن المتوفّى سنة ١٣٤٠، عن أُستاده الحاج ميرزا محمّد حسين الشهرستاني، عن أُستاده المولى حسين الشهير بالفاضل الأردكاني.

الخامس عشر: سيّدنا جمال السالكين الحاج سيّد أحمد بن إبراهيم الطهراني الشهير بكربلائي المتوفّى سنة ١٣٣٢، عن شيخيه الحاج الطهراني والشيخ الخيقاني المذكورين، وعن جمال السالكين آخوند المولى حسين قلي الهمداني المتوفّى سنة ١٣١١، عن العلاّمة الأنصاري.

السادس عشر: سيّدنا العلاّمة أبومحمد الحسن صدرالدّين بن العلاّمة السيّد هادي صدر الدين الكاظمي المتوفّى في أوّل ليلة الخميس الحادية عشرة من ربيع الأوّل سنة ١٣٥٤، عن الحاج مولى علي والحاج ميرزا حسين الخليليين والسيّد مهدي القزويني وميرزا محمّد هاشم الچهارسوقي وغيرهم.

والسابع عشر: العلاّمة المفتي ميرناصرحسين بن ميرحامد حسين اللكهنوي (دامت بركاته) عن والده العلاّمة وعن المفتي ميرعبّاس المتوفّيَيْن سنة ١٣٠٦.

فليرو شيخنا (دامت بركاته) عنّي عن جميع هؤلاء لمن شاء وأحبّ مراعياً للاحتياط، ملازما للتقوى في جميع الحالات، داعيا لهذا الجاني في الخلوات وأعقاب الصلوات.

ولقد حرّر بإملاء ثمّ تصحيح من هذا الجاني المسيء محمّد محسن الشريف المدعوّ بآقا بزرگ الطهراني (غفرله إن شاء الله ولوالديه) في أواخر محرّم الحرام سنة ١٣٥٦ في النجف الأشرف على مشرّفها السلام. والحمدلله ربّ العالمين والصلاة على محمّد وآله الطاهرين.

[سجع مهر:] آقا بزرگ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لوليه والصلاة على نبيه وآل نبيه.

وبعد، فقد أجزت الفاضل الكامل الواعظ الماهر الشيخ مهدي بن الشيخ محمد بن المولى جعفر شرف الدين التستري الواعظ الشهير (دامت بركاته) أن يروي عنّي عن مشايخي المذكور في هذه المشيخه وغير المذكورين بجميع

١٠. توفّي ليلة الأربعاء آخر محرّم ١٣٣٤ كما في: نقباء البشر ج ٤، ص ١٥٤٩.

www.noormags.ir

طرقهم المقرّرة المعلومة، فليروعنّي لمن شاء وأحبّ مراعياً للتقوى والاحتياط، والرجاء الواثق من مكارمه أن لاينساني من الدعاء حيّاً وميّتاً، وأنا الأحقر الجاني آقا بزرگ الطهراني.

حرّرته بيدي الجانية في شهر المحرّم سنة ٥٧.

[سجع مهر:] آقا بزرگ

(١٩)

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمدلله الذي أجاز في تحديث نعمه وآلائه، والصلاة والسلام على محمّد والحجج المعصومين من آله، سيّما خاتمهم المهدي القائم من أوصيائه واللعنة الدائمة على أعدائهم إلى يوم القيامة.

وبعد، فإنّ من أعظم ما أنعم به سبحانه وتعالى على عباده وجود أولي العلم والعمل في أقطار بلاده وحملة أحاديث أوليائه، لانّهم بذلوا جهدهم واستفرغوا وسعهم في إنقاذ الخلق عن الضّلالة وإرشادهم إلى منهج الهداية، فطوبى لمن اقتفى آثارهم واستضاء بأنوارهم.

وإنّ من جملتهم جناب العالم العامل صدر الواعظين، مصباح العارفين، الورع المرضي الشيخ محمّد مهدي شرف الدين الشوشتري - دامت افاضاته - وقد استجاز منّي في الرواية والتصدّي للأُمور الحسبيّة فأجزته في كليها، فله أن يروي عنّي جميع ماصحّت لي روايته من مصنّفات أصحابنا الإمامية (رضوان الله عليهم أجمعين) المتضمّنة لأحاديث المعصومين (عليهم أفضل صلوات المصلّين).

وله أيضاً أن يتولّى جميع الأُمور التي يرجع فيها لزوماً أو احتياطاً إلى المجتهد الجامع للشرائط من أُمور القاصرين والأُوقاف التي ليس لها متولّ خاصّ وقبض الوجوه من المظالم والمجهول المالك وصرفها في مصارفها المقرّرة، وكذا أخذ سهم الإمام (عليه الصلاة والسلام) وصرف مقدار منه في ضروريّات أهل العلم المتديّنين وإيصال الباقي إلى النجف الأشرف لحفظ الحوزة الجليلة العلميّة.

والسلام عليه وعلى إخواننا المؤمنين ورحمة الله وبركاته.

حرّر في ٢ ربيع الثاني ١٣٦٩
محسن الطباطبائي الحكيم
[سجع مهر] محسن الطباطبائي

(٢٠)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذي فضّل العلم وأهله وسوّغ لشاربيه علمه ونهله، والصلاة على خاتم رسله محمّد الذي اصطفاه على العالمين بعد طول فترة الجاهليّة الأولى ومحنة أيّام المهلة، وطبق بصيت فضله حزن البسيط وسهله، وعلى أهل بيته الذين باهل بهم الكافرين وأبان فضلهم يوم البَهلة، وعلى بقية الحجج الميامين الذين قامت بهم الشريعة السمحة السهلة، وأبرء إلى الله تعالى ممّن عادى يافع هذا البيت الرفيع وكهله، أوجحد حقّهم في آخر الأمر أوفي أوّل وهلة، أوغمط فضلهم أوحطّ من قدرهم أوأنكر مقام قائمهم عليه السلام أوخلط بعلمه به شكّه وجهله.

أمّا بعد، فإنّ من أكرم منازل رجال العلم والحديث وأحوطها على نشر معالم الدين عند التدريس والتحديث اتّصال إسناد المحدّثين إلى الأئمّة المعصومين (صلوات الله عليهم أجمعين) فطوبى لهم جدّ في طلبه ولم يحرم نفسه عن أفضل مآربه و منتهى أربه، وخاب مَن قرع باب العلم وغفل عن نهاية مطلبه، وذلك أن يصل ما أمر الله به أن يوصل، ويوصّل روايته وقوله بحبل خلفاء الله في أرضه على الوجه الّذي يجب أن يُوصَّل.

ولقد عزّ في عصرنا هذا مشايخ الإجازات ولم يبق منهم إلّا أقلّ قليل في زوايا المفازات ولبعض ذلك كلّه، لمّا استجازني من شوشتر إلى مقامي الفعلي بسمنان أخونا: العالم الفاضل،

سال چهارم شماره اول دوم
بهار تا زمستان ۱۳۹۲

www.noormags.ir

صاحب الفضائل والفواضل، فضيلة الشيخ محمد مهدي شرف الدين الشوشتري (دام فضله وكثرت بركاته، واعتدلت في محافل العلم والأدب سكناته وحركاته) فأجزته أن يروي عنّي ما صحّ لي روايته من كتب المحمّدين الستّة وسائر كتب مشايخنا الإمامية المتّصلة أسانيدنا بها و بهم (رضوان الله عليهم) التي منها هذا السند وهو أقصرها وأفضلها عن شيخي الاعظم الحاج ميرزا حسين النجفي الخليلي الطهراني المتوفّى ١٣٢٦، عن الشيخ محمّد حسن صاحب جواهر الكلام المتوفّى ١٢٦٤[١١]، عن الشيخ الأكبر الشيخ جعفر كاشف الغطاء المتوفّى ١٢٢٧ والسيّد جواد الكركي صاحب مفتاح الكرامة المتوفّى ١٢٢٦ والإمام الهمام السيّد مهدي بحر العلوم[١٢] المتوفّى ١٢١٢ كلّهم جميعا عن الأستاد الوحيد المؤسّس المجدّد للمذهب على رأس القرن الثلاث عشر المولى محمّد باقر البهبهاني المتوفّى ١٢٠٨، عن والده المكمّل المولى محمّد أكمل، عن العلاّمة المجلسي المولى محمد باقر المتوفّى ١١١١ أو ١١١٠،[١٣] عن والده الأفضل الأورع المولى محمد تقي المجلسي المتوفّى ١٠٧٠، عن الشيخ البهائي محمد المتوفّى ١٠٣٠، عن والده الحسين بن عبد الصمد المتوفّى ٩٨٤، عن الشهيد الثاني زين الدّين الشامي الجبعي العاملي - زيّن الله به روض الجنان و الروضة البهيّة فوق عرش الرحمن - المتولّد ٩١١ و المستشهد بالقسطنطنيّة أو طريقها ٩٦٥.

حيلولة: وعن المجلسي الثاني المذكور، عن صاحب الوسائل بطرقه المذكورة في آخر الوسائل التي منها عن زين الدّين محمّد بن الحسن بن الشهيد الثاني، عن الشيخ البهائي، عن أبيه عن الشهيد الثاني المذكور.

حيلولة: وعن والدي شيخ الطائفة الشيخ فضل الله الحائري المازندراني المتوفّى ١٣٤٥ المدفون في كربلا في المقبرة المتّصلة بمقبرة ركن الدولة الواقعة عن يمين الداخل في أوّل مدخل الصحن الكبير الحسيني عليه السلام بعد انتهاء الصحن الصغير، عن السيّد مهدي الحلّي القزويني صاحب مواهب الأفهام في شرح شرائع الإسلام وغيره المتوفّى ١٣٠٠، عن عمّه السيّد محمّد باقر المتوفّى ١٢٤٦، عن خاله بحر العلوم المذكور، عن صاحب الحدائق الشيخ يوسف، عن مشايخه المذكورة في لؤلؤة البحرين المنتهية إلى العلاّمة المجلسي، عن أبيه، عن البهائي، عن أبيه، عن الشهيد الثاني.

حيلولة: وعن صاحب الحدائق، عن الشيخ حسين الماحوزي، عن الشيخ سليمان الماحوزي شارح فهرست الشيخ، عن أُعجوبة الدّهر الشيخ أحمد المقابي، عن والده محمّد بن يوسف، عن السيّد نورالدّين على أخي صاحب المدارك، عن صاحبي المدارك والمعالم السيّد محمّد والشيخ حسن، عن المقدّس الأردبيلي أحمد، عن السيّد علي الصائغ، عن الشهيد الثاني، عن شيخه الأجلّ علي بن عبدالعالي الميسي العاملي، عن ابن عمّ الشهيد الأوّل الشيخ شمس الدّين بن المؤذّن الجزّيني، عن الشيخين الأجلّين أبي طالب محمّد و ضياء الدّين علي، عن والدهما الشهيد الأوّل محمّد بن مكّي المتولّد ٧٣٤ والمستشهد ٧٨٦.

حيلولة: وبالأسانيد المذكورة عن المجلسي الثّاني، عن والده التّقي، عن المدقّق الصوّام القوّام المولى عبدالله التستري المتوفّى ١٠٢١، عن الشيخ نعمة الله ابن خاتون العاملي، عن المحقّق الكركي نورالدين علي بن عبدالعالي المتوفّى ٩٤٠، عن علي بن هلال الجزائري، عن الشيخ أحمد بن فهد الحلّي المتوفّى ٨٤١، عن الشيخ علي بن خازن الحائري، عن الشهيد الأوّل، عن الشيخ فخرالدين أبيطالب محمّد بن آية الله العلاّمة الحلّي المتولّد ٦٨٢ المتوفّى ٧٧١، عن أبيه العلاّمة الحسن المتولّد ٦٤٨ المتوفّى ٧٢٦، عن والده سديد الدين يوسف بن المطهّر،

١١. الصحيح أنّه توفي غرّة شعبان ١٢٦٦.
١٢. لايخفى أنّ الشيخ صاحب الجواهر لايروي مباشرة عن السيّد بحرالعلوم.
١٣. الصواب: ١١١٠.

www.noormags.ir

عن شيخه المحقّق أبي القاسم جعفر صاحب الشرائع و غيره المتوفّى ٦٧٦، عن السيّد فخاربن معدّ الموسوي، عن أبي الفضل شاذان بن جبرئيل القمّي، عن عمادالدين أبي القاسم الطبري، عن الشيخ أبي علي الحسن، عن والده السعيد الشيخ أبي جعفر محمّد بن الحسن الطوسي المتولّد ٣٨٥ المتوفّى ٤٦٠، عن الشيخ المفيد محمّد بن محمّد بن النعمان المتولّد ٣٣٦ المتوفّى ٤١٣، عن جعفربن محمّد بن قولويه المتوفّى ٣٦٨، عن محمّد بن يعقوب الكليني المتوفّى ٣٢٩، بأسانيده المتّصلة إلى الأئمّة عليهم السلام.

حيلولة: وعن المفيد، عن الشيخ الصدوق أبي جعفر محمّد بن علي بن الحسين ابن بابويه القمي المتوفّى ٣٨١ بأسانيده المتّصلة إلى حجج الله، عن رسول الله، عن جبرئيل، عن ربّ العالمين.

ولعمري إنّ هذا السند ورجاله البررة الخيرة لو تليت أسماؤهم على الجبال مخلصاً لتدكدكت، وعلى زبر الحديد لتفكّكت، وعلى الأموات نشرت، وعلى الوحوش حشرت، لكن أين الإخلاص والمخلصون كي يبرّ الله تعالى قَسَمهم ويُجزل قِسمَهُم.

فعظّم أيّها الأخ المحترم هذه السلسلة المنضّدة وأعرف قدرها، ولاترخص مهرها، وأشرح بالتّقوى والحائطة صدرها، واستهلّ بالرواية والرعاية بدرها، فالرواة كثير والرعاة قليل.

وأجزتك أيضا أن تقوم بوظائف العدول الحسبيّة وأن تقبض الحقوق والصدقات و تقسّمها بين المستحقّين في بلدك ولاتطردهم ولاتعدُ عيناك عنهم، فدعائي وراءك إن شاء الله، كما أنّي أرجو دعاءك والسلام عليك وعلى جميع المؤمنين.

حرره الأقل محمّد صالح بن فضل الله الحائري المازندراني في سابع عشر ذي الحجّة الحرام سنة ألفٍ و ثلاث مئة و سبع و ستّين من الهجرة النبويّة صلّى الله عليه و آله وسلّم تسليماً (١٣٦٧).

(٢١)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله والصلاة والسلام على محمّد رسول الله وآله آل الله، ثمّ على رواة أحكام الله، ثمّ على مشيّدي دين الله.

أمّا بعد، فإنّ جناب العالم العاقل والمهذّب الكامل، بدر الأماثل وفخر الأفاضل، سلالة الفقهاء الكرام، نخبة الأعلام، الفقيه المتتبّع النحرير، والمحدّث الخبير، الشيخ محمّد مهدي (دامت بركاته وعمّت إفاداته) نجل المرحوم العلاّمة المحقّق الشيخ محمّد آل شرف الدّين التستري (طاب ثراه وجعل الجنّة مثواه) قد استجاز من هذا العبد الحقير المقصّر في خدمة مولاه اللّطيف الخبير لحسن ظنّه بكاتب هذا التحرير، تأسّيا بالسّلف الكرام، ودخولاً في سلسلة مشايخنا العظام رواية الأخبار عن معادن العصمة والعلم والآثار، سلام الله عليهم مادام اللّيل والنّهار.

فأجزته (دامت بركاته) أن يروي عنّي الأخبار الّتي حوتها الكتب المعتبرة كالكافي والفقيه والتهذيب والاستبصار والوافي والوسائل والبحار، وما حوته مؤلّفاتي ومصنّفاتي عن مشايخي الأعلام حجج الإسلام - قدّست أسرارهم - .

فمنهم، بل أفضلهم وأعلمهم: أفقه فقهاء العراق بل وسائر الآفاق السيّد أبوتراب بن العلاّمة أبي القاسم الموسوي الخونساري النجفي صاحب المؤلّفات الممتّعة كشرح نجاة العباد وغيره وقد ولد - طاب ثراه - في بلدة خونسار سنة ١٢٧١ إحدى وسبعين ومائتين وألف هجريّة وتوفّي في الغري السرّي يوم السبت تاسع جمادى الأولى سنة ١٣٤٦ هـ ودفن في مقبرة وادي السّلام عن مشايخه المذكورين في مواهب الباري.

ومنهم: العلاّمة المحقّق حجّة الإسلام الشّيخ علي بن المرحوم ملا عبّاس علي الأمير كلائي المازندراني النجفي (طاب ثراه) المتوفّى في الغري السرّي في شهر شعبان سنة

www.noormags.ir

١٣٥٢هـ عن شيخيه العلاّمتين السيّد محمّد كاظم الطباطبائي اليزدي الغروي ﵀ والميرزا محمّد علي الرشتي چهاردهي ﵀ عن مشايخهما.

ومن جملة مشايخي: العلاّمة المتتبّع الشيخ علي بن الرضا آل كاشف الغطاء النجفي (طاب ثراه) عن مشايخه المذكورين في إجازاته.

ومن جملة مشايخي أيضاً: العلاّمة الفقيه الميرزا إبراهيم بن العلاّمة الميرزا إسماعيل السلماسي الكاظمي ﵀ عن شيخه العلاّمة المحقّق الحاج ميرزا إبراهيم الخوئي شارح نهج البلاغة وصاحب مخلّص المقال وشرح الأربعين حديثا عن مشايخه المعلومين.

ومن جملة مشايخي أيضا: العلاّمة الورع الوالد المرحوم الحاج السيّد محمّد نجل العلاّمة المحقّق السيّد محمّد صادق نجل العلاّمة الكبير السيّد زين العابدين الموسويّ الخونساري الإصفهاني الكاظمي - طاب ثراه. وقد ولد مولانا الوالد ﵀ في إصفهان سنة ١٢٧٣ هـ وتوفّي في الكاظمين ﵈ في محرم سنة ١٣٥٥هـ عن شيخيه العلمين الفقيهين السيّد أبي القاسم الطباطبائي آل صاحب الرّياض ﵀ والحاج الشّيخ زين العابدين المازندراني الحائري عن مشايخهما. وأروي عن جماعة آخرين ذكرنا أسماءهم وشرحنا أحوالهم في غير هذا المقام.

وبالإجمال، فقد أجزت لشيخنا السميّ (دامت بركاته) إجازة تامّة عامّة فليروعنّي عن مشايخي الأعلام، أعلى الله مقامهم في دارالسلام لمن شاء وأحبّ. وأوصيته (دامت بركاته وعمّت إفاداته) ونفسي بمنابذة النّفس والهوى وملازمة السّداد والتّقوى، واوصيه بمتابعة السّلف الصالح، وأن يكون لهم خير خلف ناصح، ولا يترك متابعة المشهور فإنّه لا ريب فيه ولا عثور.

والملتمس من جنابه (دامت بركاته) أن لا ينساني من صالح الدّعوات عقيب الصلوات ويذكرني بفاتحة وتوحيدات في أيّام حياتي وبعد الممات. والله وليُّ الحسنات وغافر السّيّئات، وهو على كلّ شيءٍ قدير وبالإجابة جدير.

وحرّره العبد الفقير إلى رحمة ربّه الغنيّ المغني محمّد مهدي بن محمّد الموسويّ الإصفهاني الكاظمي عفي عنه، وذلك في يوم الأربعاء سلخ محرّم الحرام سنة ١٣٥٨ ه.

[سجع مهر:] محمّد مهدي بن محمّد الموسوي

(٢٢)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذي جعل العلماء ورثة الأنبياء ومدادهم أفضل من دماء الشهداء، والصلاة والسلام على أفضل السفراء الأمناء محمّد وآله الأصفياء.

وبعد، فإنّ العالم العامل الكامل، زين العلماء الراشدين وعماد الفقهاء والمجتهدين الشيخ مهدي شرف الدين التستري (أدام الله تأييداته وتوفيقاته) استجازني في ترتيب التوسّل الى مولانا الإمام المستترعن الأبصار، الحاضر في قلوب الأخيار، المنتظر في الليل والنهار، صاحب الزّمان (عجّل الله تعالى فرجه وسهّل الله مخرجه) فأجزته في مداومة: «اللهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّ أَمْرِكَ القائِمِ المَهدِي» كلّ يوم ١١٠ عدّاً و[هو] لفظ «عليّ»[١٤].

وأرجوه - دامّ علاه - أن لا ينساني من صالح دعواته وأودعته الله ﴿**فالله خير حافظا وهوَ أرحمُ الراحمين**﴾.

١٤ ربيع الثاني ١٣٦٨

الداعي إلى الله الغني

حسين الحسيني الهمداني

(٢٣)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله الذي سمك سماء العلم بلا عمد، ونصب لها سلالم

١٤. في حساب الجمّل.

www.noormags.ir

من أحاديث الحجج المعصومين متواصلةَ السند، وصلّى الله على محمّد المصطفى المنقذ لأُمّته من الهلكة والمتيح لهم سبيل الأمان بالاجازة لمن سلكه، وعلى آله أعدال الكتاب و مستقى السنّة في كلّ باب، واللّعنة على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدّين.

وبعد، فقد رغب إليّ الفاضل العلاّمة، ذخر الملّة والدّين، ملاذ العلماء والمحدّثين، غياث الإسلام والمسلمين الحاج الشيخ محمّد مهدي شرف الدين التستري (دامت مكرماته وبركاته) في أن أجيز له رواية أحاديث أئمّة الهدى (عليهم الصّلاة والسّلام) من جوامع الكلم وينابيع الحكم، تأسّياً منه بالسلف الصالح من علماء الأُمّة وأبواب علوم الأئمّة (سلام الله عليهم) وتيمّنا بالاتّصال بسادات الخلق خلفاء الحقّ وحلفاء الصدق، وللخروج في الرواية عن النقل بالوجادة بتحرّي ماأثبتوا إسناده، ولعلّه المتيقّن ممّا جاء في فضل رواية الحديث وما لها من المنزلة الرفيعة وفي بعض المأثورات إيعاز إلى ترجيح الرواية بالإسناد مضافا إلى أنّه الأحرى بالسداد، فمن هنا وهنالك تأكّدت رغبات شيخنا المعظم إليه في إسعافه بالاجازة له وإذ رأيت له الكفاءة من شتّى النواحي.

أجزت له أن يروي عنّي ماصحّت لي روايته من تلك الكلم الذهبيّة المثبتة في المصادر المعوّل عليها كالكتب الاربعة القديمة: الكافي والفقيه والتهذيب والاستبصار، والكتب الأربعة المتأخّرة البحار والوافي والوسائل ومستدركه وكتب شيخنا الصدوق، وشيخنا المفيد، والسيّدين الشريفين المرتضين الرضيين، وشيخ الطائفة، وما جرى مجرى هذه التصانيف والتآليف التي جاد بها يراع علمائنا الأعاظم (قدّس الله أسرارهم).

وأوصيه (دام بقاه) بما أوصى به مشايخي العظام من التجنّب عمّا ارتكبه المتوسّعون من إثبات مادبّ ودرج لحسبان أنّه استزادة في العلم، فلا يروي ما وَهى إسناده أوتُرك متنه ممّا لا يلائم مكانة من تعزّى إليه الكلمة أويصادم معقولاً وإذ كان في بعض الزبر منقولاً، قد أثبته كبير من الأكابر ورواه رواية الحديث، فإنّ العثرة قلّما يصان منها وليس المعصوم إلاّ من عصمه الله تعالى.

وبالجملة، فليروعنّي ما ذكرته عن مشايخي وهم كثيرون، أذكر أربعة منهم:

الأوّل: سيّدنا العلاّمة الحجّة آية الله أبي محمّد السيّد حسن الصدر - قدّس سرّه - عن لمّة من أعلام الدّين، منهم العلاّمة آية الله معزّ الدّين أبي جعفر السيّد مهدي القزويني - قدّس سرّه - ومنهم العلاّمة المتبحّر السيّد ميرزا محمّد هاشم الچهارسوقي الخوانساري ﷺ ومنهم العلاّمة الورع الحاج المولى علي الخليلي الرازي ﷺ ومنهم شيخ الأُمّة ثقة الإسلام العلاّمة النوري، صاحب كتاب المستدرك ﷺ وقد تكفّلت خاتمه هذا الكتاب بذكر طرق مولّفه وهي خمسة، وفيها طرق غيره من الأعلام الثلاثة الذين ذكرتهم.

الثاني: سيّدنا العلاّمة الحجة آية الله السيّد عبدالحسين شرف الدّين الموسوي العاملي (دامت أيّامه) عن مشايخه العظام، منهم: والده الفقيه العلاّمة الثبت الشريف السيّد يوسف، عن أُستاذه آية الله الميرزا حبيب الله الرشتي، عن العلاّمة إمام المحقّقين الشيخ مرتضي الأنصاري، عن المحقّق المولى أحمد النراقي، عن أبيه المولى مهدي النراقي، وآية العلاّمة بحر العلوم، والعلاّمة صاحب الرياض، والفقيه الأعظم الشيخ جعفر كاشف الغطاء وغيرهم، عن أُستاد المتأخّرين الوحيد البهبهاني، عن أبيه المولى محمّد أكمل، عن العلاّمة المجلسي بطرقه المذكورة في كتاب الاجازات.

ويروي أيضاً السيّد يوسف الشريف المذكور عن أُستاذه الفقيه الورع الشيخ محمّد حسين الكاظمي، عن الشيخ حسن صاحب أنوار الفقاهة، عن شيخ الطائفة الشيخ جعفر كاشف الغطاء و السيّد جواد صاحب مفتاح الكرامة، عن

www.noormags.ir

الأُستاذ الوحيد البهبهاني، عن أبيه، عن المجلسي (قدس سرّهم) ومنهم العلاّمة شيخ الشريعة الشيخ فتح الله النمازي الإصفهاني، عن مشايخه العظام أحدهم السيّد الأجل السيّد مهدي القزويني الحلّي، عن خاله العلاّمة آية الله السيّد مهدي بحرالعلوم، عن الأُستاذ الوحيد البهبهاني، عن أبيه الأكمل بطرقه، ويروي آية الله بحرالعلوم عن مشايخ متعدّدين، ومن جملتهم العلاّمة المحقّق المحدّث الشيخ يوسف صاحب الحدائق بطرقه المذكورة في لؤلؤة البحرين.

والثالث: شيخنا العلاّمة الحجّة الشيخ آقا بزرگ الطهراني صاحب كتاب الذريعة إلى تصانيف الشيعة عن مشايخه العظام، منهم: العلاّمة النوري صاحب المستدرك بطرقه المذكورة في الخاتمة، و منهم السيّد العلاّمة الورع السيّد مرتضى الكشميري، عن السيّد العلاّمة الميرزا هاشم الخوانساري بطرقة المذكورة في خاتمة المستدرك، ومنهم الشيخ العلاّمة الشيخ محمّد طه نجف، عن العلاّمة الحاج مولى علي الخليلي بطرقه منها عن مايرويه عن العلاّمة الفقيه الشيخ عبد علي بن أُميد علي - تلميذ آية الله بحرالعلوم - عن أُستاده السيّد بحرالعلوم بأسانيده وطرقه المذكورة في الخاتمة، ومنهم العلاّمة الشيخ فتح الله شيخ الشريعة النمازي الإصفهاني بطرقه منها ما يرويه عن العلاّمة السيّد محمّد باقر صاحب روضات الجنات، عن العلاّمة حجة الاسلام السيّد محمّد باقر الإصفهاني، عن الشيّخ العلاّمة المحقّق الميرزا أبي القاسم القمي صاحب كتاب القوانين، عن أُستاذه أُستاد الكلّ الوحيد البهبهاني بطريقه وإسناده المعروف.

الرابع: خاتمة المحدّثين وجمال المتّقين ثقة الإسلام والمسلمين الحاج الشيخ عبّاس القمي ﷺ وقد خصّ ﷺ بالذكر واحدا يروي عنه وهو أُستاده العلاّمة النوري - قدّس سرّه - بماله من الطرق التي ذكرها في خاتمة مستدركه.

فصل: ولنا إلى كتب الزيديّة وهي كثيرة طريق متّصل بما نرويه عن السيّد العلاّمة الآية السيّد عبدالحسين شرف الدّين الموسوي العاملي، عن الشيخ عبدالواسع الواسعي اليمني الصنعاني الزيدي، عن شيخه القاضي حسين بن محسن المغربي، عن شيخه السيّد عبدالكريم أبي طالب بأسانيده وطرقه التي وسمها السيّد شرف الدّين بالكثرة، وذكر أنّه فصّلها في كتابه العقد النضيد فيما اتّصل من الأسانيد.

فصل: ونروي صحاح أهل السنّة وكتبهم عن سيّدنا العلاّمة السيّد عبدالحسين شرف الدين الموسوي العاملي عن شيوخه، منهم: الشيخ سليم البشري المالكي شيخ الأزهر وإمام علماء مصر في وقته، وقد لقيه سيّدنا شرف الدّين في سنة ١٣٢٩ بمصر وحضر درسه، فأجازه إجازةً عامّةً مفصّلةً قد اشتملت على جميع أسانيده وطرقه المتّصلة بجميع كتب أهل السنّة نقليةً وعقليةً بمصنّفيها المتقدّمين والمتأخّرين، ومنها طريقه إلى صحيح البخاري كما أجازه شيخه الشيخ محمد الخناني، عن الشيخ محمد الأمير، عن الشيخ علي العدوي، عن الشيخ محمّد عقيلة، عن الشيخ حسن بن علي العجيمي، عن الشيخ أحمد بن محمّد العجلي، عن الشيخ يحيى بن مكرّم الطبري، عن البرهان إبراهيم بن محمّد بن صدقة الدمشقي، عن الشيخ عبدالرحمن بن عبدالأوّل الفرغاني، عن محمّد بن شاذ بخت الفرغاني بسماعه عن الشيخ أبي لقمان يحيى بن عمّار بن مقبل شاهان الختلاني، عن محمّد بن يوسف الكربري، عن أبي عبدالله محمّد بن إسماعيل البخاري الجامع للكتاب المعروف بصحيح البخاري، عن شيوخه بأسانيدهم وطرقهم كلّها.

ومنهم: الأُستاذ الشيخ محمّد المعروف بالشيخ بدر الدّين الدمشقي شيخ الإسلام بدمشق بطرقه المذكورة في ثبت الأثبات لسيّدنا الحجّة شرف الدّين التي يروي بها صحيح البخاري، وصحيح مسلم ومسند احمد ومسند الشافعي وموطأ مالك.

ومنهم: الشيخ المحدّث العلاّمة الشيخ محمّد بن محمّد بن

www.noormags.ir

عبدالله الخاني الخالدي النقشبندي الشافعي، وقد أجاز لسيّدنا شرف الدّين أن يروي عنه جميع كتب الحديث المشهوره وسائر الكتب المصنّفه التي له الإجازة في روايتها وهي كثيرة، ذكر بعضها سيّدنا شرف الدّين في ثبته.

ومنهم: علم الأعلام الشيخ محمّد المعروف بالشيخ توفيق الأيّوبي الأنصاري الدمشقي، عن السيّد سعيد أفندي الأسطواني، عن شيخه المحقّق محمّد الفاسي، عن محمّد بن سنّة، عن أبي الوفاء أحمد بن محمّد العجلى، عن قطب الدّين محمّد النهرواني، عن والده أحمد، عن الحافظ أبي الفتوح أحمد بن عبدالله الطاوسي، عن المعمّر بابا يوسف الهروي، عن محمّد بن شاذ بخت الفرغاني، عن المعمّر يحيى بن عمّار الختلاني، عن أبي عبدالله محمّد بن يوسف الفربري، عن أبي عبدالله محمّد بن إسماعيل البخاري جامع كتاب صحيح البخاري.

وذكر سيّدنا شرف الدّين أن بهذا الطريق بينه وبين البخاري اثنتا عشرة واسطة، وعلى ما ذكره الشيخ عبدالخالق أنّ قطب الدّين محمّد النهرواني يروي عن الطاوسي بلاوساطة والده، فالوسائط بين سيّدنا وبين البخاري إحدى عشر وبملاحظة ثلاثيات البخاري فالواسطة بين سيّدنا وبين النبيّ الأكرم (صلّى الله عليه وآله وسلّم) خمس عشرة، وأقول: فيكون بيني وبين رسول الله (صلّى الله عليه وآله) ستّ عشرة واسطة، وإن قبلت هذه الإضافة لدى حضرته ﷺ فهي غاية المُنى.

تكملة وتتميم: إنّي قد أجزت العلاّمة المحدّث، الثبت الثّقة، الحاج الشيخ محمّد مهدي شرف الدّين التستري (دامت أيّامه) في رواية كتب الزيدية وكتب أهل السنّة أيضا، كما أجزته في رواية أصحابنا الإماميّة، وأتبرّك بذكر حديث متّصل السّند، فأقول: أروي عن السيّد حسن الصّدر، عن الشيخ ميرزا حسين النّوري، عن الشّيخ الإمام المرتضى الأنصاري، عن الشّيخ ملاّ أحمد النراقي، عن السيّد الإمام الهمام السيّد محمّد مهدي بحرالعلوم، عن مجدّد المذهب أُستاد الكلّ الشّيخ محمّد باقر الوحيد البهبهاني، عن والده الشيخ محمّد أكمل، عن الإمام محمّد باقر المجلسي، عن والده المولى محمّد تقي المجلسي، عن شيخنا الشيخ محمّد بهاء الدّين العاملي، عن أبيه الشيخ حسين، عن الشيخ زين الدين الشهيد الثاني، عن الشيخ علي بن عبدالعالي الميسي العاملي، عن الشيخ محمّد بن داود الجزّيني العاملي، عن الشيخ ضياء الدّين علي بن الشهيد، عن والده الشيخ الأعظم شمس المذهب والدّين محمّد بن مكّي الشهيد الأوّل، عن الشيخ فخر المحقّقين محمّد، عن والده آية الله العلاّمة الشيخ حسن بن مطهّر، عن الشيخ نجم الدّين أبي القاسم جعفر بن سعيد الشهير بالمحقّق الحلّي، عن السيّد شمس الدّين فخار بن معدّ الموسوي، عن الشيخ سديد الدّين شاذان بن جبرئيل القمي، عن الشيخ أبي جعفر محمّد بن أبي القاسم الطبري الآملي، عن الشيخ أبي علي المفيد الثاني الشيخ حسن الطوسي، عن والده شيخ الطائفة ورئيسها أبي جعفر محمّد بن الحسن الطوسي، عن الشيخ محمّد بن محمّد بن النعمان أعني الشيخ المفيد، عن الشيخ أبي القاسم جعفر بن محمّد بن قولويه، عن الشيخ ثقة الإسلام محمّد بن يعقوب الكليني، عن الحسين بن محمّد، عن أحمد بن إسحاق، عن سعدان بن مسلم، عن معاوية بن عمّار، قال: قلت لأبي عبدالله - «عليه السّلام: رجل راوية لحديثكم، يبثّ ذلك في النّاس ويسدّده في قلوبهم وقلوب شيعتكم، ولعلّ عابدا من شيعتكم ليست له هذه الرواية، أيّهما أفضل ؟ قال - عليه السلام: الراوية لحديثنا يشدّ به [يسدّده في خ ل] قلوب شيعتنا أفضل من ألف عابد».

انتهى ما سمح التوفيق بذكره.

وآخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمين، ونصلّي ونسلّم على محمّد سيّد المرسلين، وآله الأئمّة الغرّ الميامين، حجج الله على البرية أجمعين، ثبّتنا الله على ولايتهم، والبراءة من أعدائهم.

كتبه بيمناه الداثرة في ١٩ شعبان ١٣٦٩

محمّد هادي الحسيني الميلاني

www.noormags.ir

سال چهارم شماره اول دوم
بهار تا زمستان ۱۳۹۲

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطیبین الطاهرین

واللعنة الدائمة علی اعدائهم الی یوم الدین اما بعد حینی

جناب مستطاب سید العلماء العظام رکن الاسلام مروج الله احکام شرع سید

آقای آقا شیخ محمد مهدی شرف الدین دامت ایام افاضاته سنین عدیده متمادی

زحمات فوق العاده کشیده و در تحصیل علوم ریاضی بمراتب عالیه رسیده

و دارای جهات قدسیه و ملکات حمیده آراسته است لهذا از قبل اینجانب

مجاز و ماذون است که متصدی بشود به وظائف و اموریکه تصدی

انها از وظائف حکام شرع است و ماذون هستند در اخذ وجوهات و صرف

در مصارف مقرره و کذلک سهم امام علیه السلام قبض نموده بفقراء سادات

و مشتغلین علوم دینیه یا مجتهد جامع الشرائط ایصال نمایند و برکافه مؤمنین

لازم است که کوشش در مساعدت ایشان نمایند و اوصیه بتقوی الله و رعایة

الاحتیاط فی جمیع اموره فانه سبیل النجاة الداعی ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

www.noormags.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و افضل صلواته و تحیاته علی اشرف الاولین و الآخرین محمد و آله الائمه الطیبین الطاهرین
و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین ابد الآبدین و بعد نظر بشیخ و لیاقت جناب عالم فاضل زکی اتقی
شیخ مهدی شرف الدین زاده دام تاییده جناب ایشان در تصدی وظائف شرعیه شوقعه بر اذن فقیه عصر
عجل الله فرجه و آبائه الطاهرین افضل الصلوة و السلام از قبیل تولی امور قاصرین بلد و لی و تجهیز اموات بلد و لی
از جانب حقر ماذونند تصدی نمایند و در قبض حقوق واجبه از قبیل سهم مبارک امام ارواحنا له الفداء
و حق سادات و زکوة و مظالم و غیرها ماذونند قبض نمایند زکوة و مظالم و حق سادات را بمستحقین انها
ایصال نمایند و سهم مبارک را و اخماس را حاجة الفداء را برای صرف در حوزه علمیه کهف اشرف که اهم
مصارف آن است مقرر نمایند و در اجراء عقد نکاح و سایر عقود و ایقاعات مطابق مندرجات
رساله ذخیرة العباد مجاز و ماذونند و همچنین در تعلیم مسائل واجبه مطابق رسالهای عملیه
عربیه و فارسیه و نقل روایات مندرجه در کتب معتبره علماء امامیه قدس الله تعالی اسرارهم
مجاز و ماذونند و از جوه ان لدینانی من صالح دعائه تعالی و السلام علیه و علی جمیع اخوانه
المؤمنین و رحمة الله و برکاته حرره فی شهر رجب سنه ۱۳۴۲ الاحقر محمد حسین النوری الساعز

www.noormags.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العلماء ورثة الانبياء ومدادهم افضل
من دماء الشهداء والصلوة والسلام على افضل السفراء
محمد واله الاصفياء وبعد فان العالم العامل
زين العلماء الراشدين وعماد الفقهاء والمجتهدين
الشيخ مهدي شرف الدين التستري
ادام الله تأييداته وتوفيقاته استجازني في
التوسل الى مولينا الامام المستتر عن الابصار الحاضر في
قلوب الاخيار المنتظر في الليل والنهار صاحب الزمان
عجل الله تعالى فرجه وسهل الله مخرجه فاجزته
مداومة اللهم صل على ولي امرك القائم المهدي
كل يوم ١١٠ عدد لفظ علي وارجوه وام علا
ان لا ينساني من صالح دعواته واودعته الله
فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين ١٤١٣ الثاني
١٣٦٨

الداعي الى الله الغني
حسين الحسيني الهمداني

www.noormags.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

حامل مستطاب شریعتمآب آقای حاج شیخ مهدی شرف الدین سلمه الله تعالی در نوشتن دارای محترم

وفخیر موعظ مشغول و از قبل این جانب مأذون و مجازند در نقل

از کتب معتبره امامیه که در موضوع مواعظ و مراثی و تواریخ تألیف و معمول است

شب یکشنبه دوازدهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۴۷ الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی

فی بهرسان المعظم

الاحقر محمد حسین الغروی الاصفهانی

www.noormags.ir

بسمه تعالی

بعد الحمد والصلوه عرض عامه اخوان مومنین

ایده الله چون جناب مستطاب عمدة الفضلاء نخبة العلماء
شرف الدین
اسوة المحدثین الفخر
شرفیدار ملا شیخ محمد نجل المرحوم السعید العالم
الملا محمد جعفر طیب الله ثراه وجعل الجنان مثواه
در مراتب علم و عمل و دیانت و ورع
و ارشاد انام و ترویج شرایع اسلام بالغ
مقامی منیع و مرتبه سامیه است لهذا این احقر
اذن دادم او را در جمیع امور راجعه بکلیات
شرعیه قابله للاذن از تصدی امور قاصرین
و اخذ حقوق و صرف در مصارف معینه و قیام
مراعیا للاحتیاط پس بر عموم مومنین
انقیاد و اذعان لازم است

www.noormags.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العلم نورا تحرق به ظلم الغوایة والصلوة
علی
محمد وعترته مصابیح الهدایة وبعد فممن منحه الله تعالی لتحصیل
العلوم الشرعیة وتنقیح مبانیها الناظریه الشیخ الجلیل والحبر النبیل
نخبة العلماء العاملین وناشر احکام سید المرسلین الشیخ محمد مهدی
شمس الدین التستری دام تاییده فانه صرف جملة من عمره وبرهة
من دهره فی تحصیل العلوم الشرعیة وتنقیح المبانی الفقهیة
سالکا فی طرق التدقیق والتحقیق واستجازنی فی الروایة فاجزته
ان یروی عنی کل ما صحت لی روایته وتحققت لدی
درایته عن مشایخی العظام حتی یتصل السند الی ارباب الجوامع
والاصول وله ان ینشر جمیع ما فیها من العلوم والحکم لاسیما ما تعلق
بالفقه واصوله بالبحث والتدریس والتعلیم والافاده لما استفاد
منها واضبط مشترطا علیه فی جمیع ذلک مراقبة الاحتیاط الذی
فیه النجاة وان لا ینسانی من صالح الدعوات والسلام علیه ورحمة
الله وبرکاته حرر فی یوم السادس من شهر شعبان المعظم سنة ۱۳۷۰
الاحقر ابراهیم الحسینی الزنجانی عفی عنه

چهارم شماره دوم
سال اول
بهار تا زمستان ۱۳۹۲

www.noormags.ir

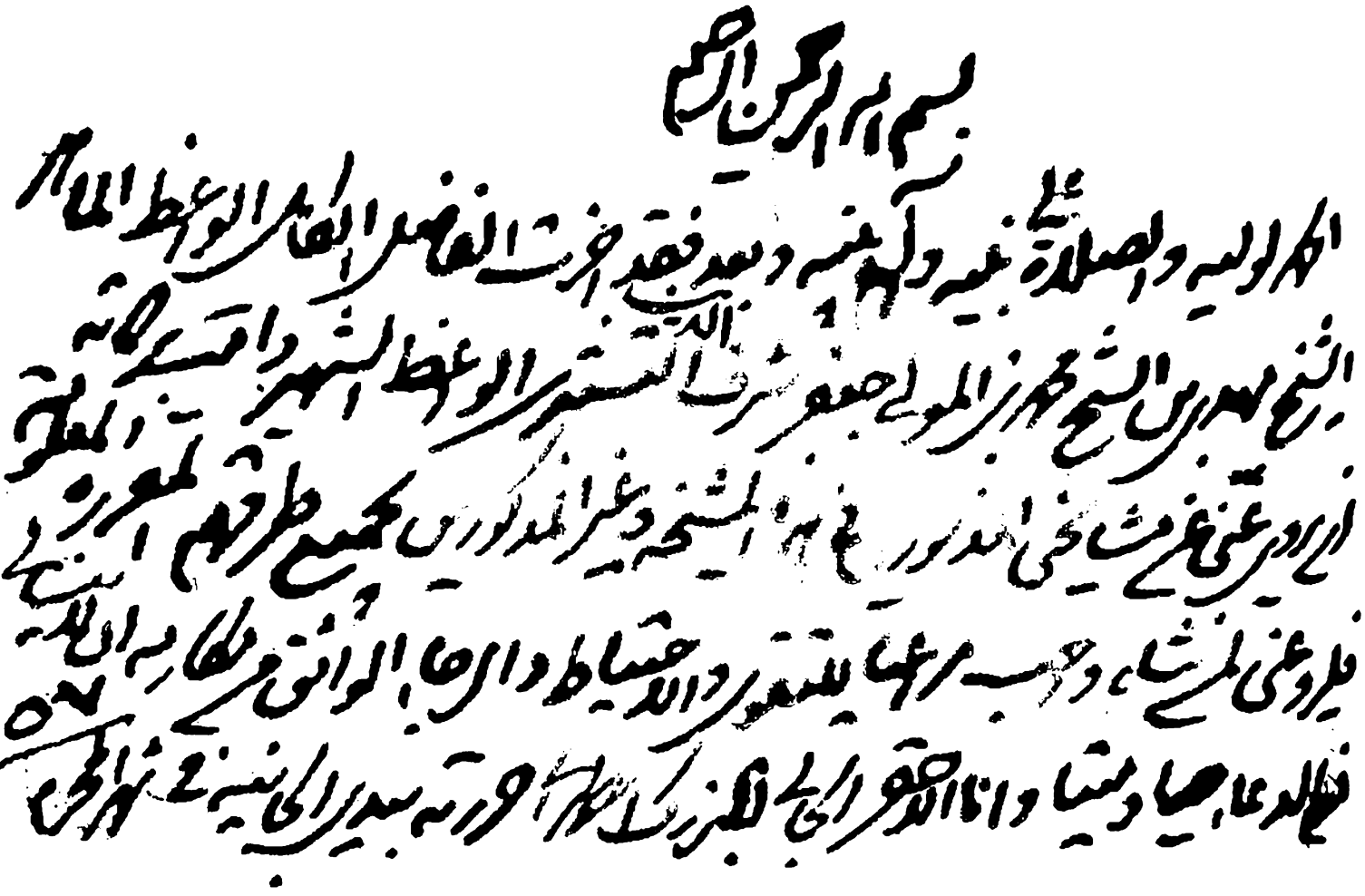

چهارم سال اول شماره دوم
بهار تا زمستان ۱۳۹۲

www.noormags.ir

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله کما هو اهله والصلوة والسلام علی محمد واله وبعد چون جناب مستطاب العالم العامل
الفاضل ثقة الاسلام آقا شیخ محمد مهدی شرف الدین دامت برکاته از اجله ارباب علم و فضل
وترویج دین مبین وارشاد جاهلین کما از وظائف لازمهٔ اهل علم است علاقه تمام ومشغول هستند
ازین رو بنا بشان در تصدی امور حسبیه که وظیفهٔ مجتهد جامع الشرائط است از تولی
امور قاصرین واذن در تجهیز اموات بلا ولی وصرف در اوقاتیکه فاقد متولی خاص باشند
وقبض حقوق واجبهٔ مالیه از مظالم وغیرها وهم چنین سهم امام علیه السلام وصرف در معاش اقتصادی خود
باکمال احتیاط فانه سبیل النجاة والسلام علیه وعلی سائر الاخوان ورحمة الله وبرکاته

۱۳ ذی الحجة الحرام ۱۳۶۸

الاحقر ابراهیم الحسینی الشیرازی الاصفهانی المقیم بالشهر زاة

www.noormags.ir

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی اجاز فی تحدیث نعمه والائه والصلوة والسلام علی محمد والحجج المعصومین من آله
سیما خاتمهم المهدی القائم اوصیا وللعنة کدائمة علی اعدائهم الی یوم القیامة

وبعد فان من اعظم ما انعم به سبحانه وتعالی علی عباده وجود اولی العلم
والعمل
فی اقطار بلاده وحملة احادیث اولیائه لانهم بذلوا جهدهم بهدایته
واستفرغوا وسعهم فی انقاذ الخلق عن الضلالة وارشادهم الی منهج الحق
فطوبی لمن اقتفی آثارهم واستضاء بانوارهم وان من جملتهم خلیفة
العالم العامل صدر الواعظین مصباح العارفین الورع المرضی الشیخ محمد
شرف الدین الشوشتری دامت افاضاته وقد استجازنی فی الروایة
والتصدی للامور الحسبیة فاجزته فی کلیهما فله ان یروی عنی جمیع
ما صحت لی روایته من مصنفات اصحابنا الامامیة رضوان الله علیهم اجمعین
المتضمنة لاحادیث المعصومین علیهم افضل صلوات المصلین وله ایضا
ان یتولی جمیع الامور التی یرجع فیها الرؤساء واحتیاطا الی المجتهد الجامع للشرائط
من امور القاصرین والاوقاف التی لیس لها متول خاص وقبض الحقوق
من المظالم والمجهول المالک وصرفها فی مصارفها المقررة وکذا اخذ سهم الامام
علیه الصلوة والسلام وصرف مقدار منه فی ضروریات اهل العلم المتدینین وایصال الباقی
الی النجف الاشرف لحفظ الحوزة الجلیلة العلمیة والسلام علیه وعلی اخواننا المؤمنین ورحمة الله وبرکاته

حرره فی (۲) ربیع الثانی - ۱۳۶۹ -

محمد الطباطبائی
الحکیم

وثیقه نامه اجازات
چهارم سال اول شماره دوم بهار تا زمستان ۱۳۹۲

www.noormags.ir